

ما چه میخواهیم و

برای چه مبارزه میکنیم

طرح برنامه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در صفحه ۳

نمایشی از دموکراسی اسلامی

انتخابات دوره دوم مجلس، هرآنچه که بود، سخن از سخن بوی عین دموکراسی اسلامی را در شهر گستراند. اما بوضوهای رژیم که وقاحت را جار میزدند از یکوتا سفتادند. سران قرار بر این گذاشته بودند که جز اعتماد و سبب بوده ها، شرکت حیره کنند، مردم و آزادی می خند و حضری که در هیچ نقطه رسمی سراسر را نمی توان گسرت، سخن گویند. باطنی بوری مثل از شروع انتخابات گفته بود که "آنا این آزادی انتخابات ما در حاشای دیگر چشم می خورد؟" و این در زمانی بود

که حتی سر بخشی از بورژوازی خودی را هم زبر آن کرده بودند. و چه اهمیتی داشت که در جریان انتخابات تا تمام نهند و نکوبها و تهدیدها چه حادث شده است. بوی رژیم همچنان همان آوای شرکت و سبب و میلیونی مردم و آزادی را جار می زد. اما گندس در آمده بود. سن این بار قسم حضرت عباس را هم جانی کردند. امام گفت: دشمنان گمان نکنند که الان در ایران یک خبری شده است. ایران یک انتخاباتی آزاد که در تمام دنیا یکهم - حسین انتخابات آزادی داده است. . . ."

دنباله در صفحه ۷

روزیونیسیم : "انقلاب ایران در راه بازگشت"

هوز چند صاحبی از دستگیری سران "حزب بوده" نگذشته بود که سندییم بنامه های اولیه زولهای "حقیق در آثار و نه ته های توده ای - اکثریتی آماردن گرفت. غرولنده های دانشمند ما نند آنان در بازه زبر با گذاشته شدن آزادی و استقلال توسط رژیم جمهوری اسلامی بازگشت و نه ناسند وجود شکنجه در زندانهاو

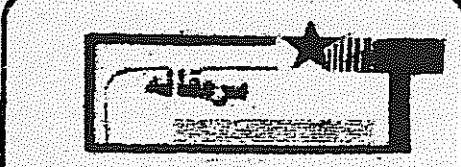
شکنجه، سران خیانت پیمانه "حزب توده" گسرتن پیدا کرد. گویی تا آن موقع که ده ها هزار نفر از بهترین فرزندان خلق های ایران شکنجه و تیرباران شده بودند، ایقان باورشان نشده و یا برای خدته دار نشدن بیرونه "شکل گیری" حمله متحد خلق بدره سری امام خمینی "ندروی مبارکشان دنباله در صفحه ۸

تلاشی "شورای ملی مقاومت" قطعی است

در خردادماه سال ۶۰ هنگامیکه انقلاب ایران سازسکار سازمان مجاهدین خلق با حجاجی از لیبیران ها بدره سری بیتی صدر، شکل رسمی و علمی وجود گرفت، انقلاب ایران پس از سازش جانشانه "اکثریتی ها" تا ضربه دیگری

از سوی رهبران مجاهدین خلق رو بروند. چرا که در ماهیت امر تفاوت اساسی مان خط می این دو جریان وجود نداشت. اکثریت راءعزازس با کتصاح بورژوازی به سرگردگی حزب جمهوری اسلامی را برگزید و مجاهدین خلق نیز راه

دنباله در صفحه ۱۰



ایران پرچمدار احیای پیمان سنو

دسال بحولات دو سال اخیر در منطقه خاورمیانه و سرکوب هر چند بوقت جنس فلسطین و درهم شکنس با نگاههای عمده چریکهای فلسطینی در لبنان توسط اسرائیل و برانگندگی فلسطینان در کشورهای مختلف عربی، هم - جنس ساسهای سازسکارانه و ممانات جوانه رهبری این جنس که عوض اتحاد یک خط منی انقلابی - سندوست های دیپلماتیک با دول اربحایی منطقه دلجوش کرده است و نیز سه دسال ادامه جنگ اربحایی ایران و عراق و نیان سباه، حضور آنکار و علی ناوگاههای آمریکا و نیروهای واگش سریع آن در خلیج فارس، اکنون گاههای حدی دیگری در جهت نفوذ هر چه بیشتر مواضع آمریکا در منطقه برداشته می شود که هفانا احیای پیمان سنو و از این رهگذر نفوذت پیمان ناتو در خاورمیانه می باشد. برحمتار این اقدام عد انقلابی، رژیم جمهوری اسلامی شده است و گویا این نیز در زمره مبارزات متعنع "صد امیرالیستی" رژیم حاکم بر ایران قلمداد می شود. سن از سقوط رژیم شاه که از پایه های اصلی امیرالیزم و اربحاه در منطقه بود، حسن دنباله در صفحه ۲

در این شماره

- یادداشت های سیاسی
- اطلاعه تعبیه خارج از کشور
- ضمیمه خبری

کمیته های مخفی اغتصاب را برای برپائی یک اغتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

ایران ...

انقلابی ایران، امدهای بسیاری در دل جنبشهای انقلابی در این نقطه از جهان دید آورد. اما از همان ابتدای به قدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی، روشن بود که این رژیم سایر ماهیت طبقاتی خود، نمی تواند گامی در جهت تقویت این جنبشها بردارد. اگر در ابتدای روی کار آمدن و در اوج جنبش انقلابی خلق و تحت فشار تحولات عدالتمندانه رزیم با جاکش اقدامات فرسکارانه ای همچون بستن سفارت اسرائیل و گشایش سفارت فلسطین و لغو پیمان سنتو ننماید، اما از همان ابتدا روشن بود که این سیاستهای حبله گرا و مرورانه تنها برای فریب توده های مردم و تحکیم قدرت خود بوده است، چرا که از همان ابتدای به قدرت رسیدن رژیم و بویژه پس از ماجرای سفارت و قطع رابطه ظاهری با آمریکا و باحاطاج محاصره اقتصادی، سرعت مناسبات ایران با ترکیه و پاکستان گسترش یافت و این دو رژیم دیکتاتوری و دست نشانده و مزدور آمریکا، با صورت حفظ و حراست از منافع امپریالیزم آمریکا در ایران را معاهده گرفتند. این مناسبات هر سال گسترش بیشتری یافت بطوریکه بنا بر اعتراف سران رژیم، تنها طی دو سال پس از انقلاب، حجم مبادلات ترکیه و ایران به ۲۴۹۹ میلیون دلار رسید و اکنون تا بدانجا بیش رفته که طی سه هفته اخیر یک هفتاد و چهار میلیارد دلار مبادلات ترکیه ایران آمدند و یک هفته پیش از آن نیز هفتاد و چهار میلیارد دلار مبادلات برای عقد قرارداد های عریض و طویل میان رژیم ایران بودند. به دنبال ورود هبات اعزامی از ترکیه و اکران همه جانبه آنان با مقامات حکومتی ایران، حجم مبادلات دو کشور تاکنون به دو میلیارد و دویست میلیون دلار بالغ گشت و حتی در مورد گسترش این مناسبات سه میلیارد دلار مذاکره بعمل آمد و از این خوان عمامه شهرهای در حور دریافت کردند، بطوریکه پس از این قراردادها آمریکا کمکهای اقتصادی خود به ترکیه را بنده نصف کاهش داد.

روشن است که در این مبادلات بازرگانی، ترکیه نقش واسطه گری برای آمریکا را به خوبی ایفا کرده است زیرا که ترکیه از وارد کنندگان عمده کالاهای آمریکایی اعم از متصرفی و سلجحایی شمار می رود.

بکه حالت اینکه هرمان با گسترش مناسبات ترکیه و ایران، شاهد آنست که دولت ترکیه در پاسخ به دلالی سود آوری برای آمریکا، قرارداد با شرکت جنرال دینامیک آمریکا جهت تولید مشترک جنگنده های اف شانزده معقد می بارد و این خود بنا بر سرکردگی ترکیه از یکسو و اعتماد عمیق آمریکا به این رژیم تحت سلطه خود از طرف دیگر است.

ایده های وحدت پس دو کشور "برادر و مسلمان" ترکیه و ایران آجنان که هاسمی رفسنجانی در اسفند ماه گذشته در دیدار خود با هبات ترکی آتکارا بیان کرد، بر سرکوت کمپوزم در منطقه استوار گشته است.

بی جهت نیست که دو کشور، بر روابط مودت آمیز خود ماهات می کنند و این آنرا از موهبتهای الهی می دانند و چشم انداز گسترش این روابط را در بازار مشترک اسلامی شده آن، می دین. ترسم کرده اند تا در پوستن اسلام عزیزان، منافع امپریالیزم جهانی سرکردگی امپریالیزم آمریکا و انحصارات بین المللی را تحکیم بخشند.

پس از مسافرت هبات ترک به ایران و مذاکرات پشت پرده آنان بر سر احیای پیمان سنتو، این هبات راهی پاکستان می گردد تا نتایج دستاوردهای ضد خلقی آن را به اطلاع ژنرال آمریکائی ضیا الحق برساند. همزمان با این دیدارها و اسرار دیپلماتی سری که در بست مناسبات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی میان مانده است، توسط سفیر پاکستان در ایران نتایج آن برملا میگردد و مساله احیای پیمان سنتو در سایه اسلامی که اکنون بر جسم سزس می رود تا به "کمربند سز" مورد علاقه آمریکا بدل شود خود نمائی می کند.

اما این تنها گوشه ای از بیدریغ هدایای رژیم خمینی، به "شیطان بزرگ" آمریکا است. برجم اسلام، ایعاد گسترده تری سز دارد. اگر مساله نفوس و حمایت بیدریغ از جنبشهای ارنجاعی در منطقه نظیر حرکت اسلامی افغانستان، حزبالدعوه عراق و بخشی از جنبش امل در لبنان را که توسط رژیم ایران و پاکستان و سایر سیاست امپریالیزم آمریکا در منطقه صورت می گیرد با این مجموعه معزائیم، خواهیم دید که چگونه سیاست کمونیسم زدائی، در حاسن ترین نقطه خاورمیانه به معن آمریکا نحقی یافته است و عملاً "موازیه فوادر منطقه سزبان نیروهای انقلابی تغییر کرده است.

رژیم ایران نه تنها با گسترش مناسبات اقتصادی با ترکیه، منافع آمریکا را نامسین کرده است بلکه با برقراری مناسبات اقتصادی با رژیمهای فاشستی تحت سلطه آمریکا چون اوروگوئه، آرژانتین، برزیل، کوره جنوبی، ناپلند و تایوان و... و گسترش مناسبات خود با کشورهای امپریالیستی آلمان، انگلستان، اسرائیل و ژاپن که متحدان آمریکا محسوب می شوند موجب تقویت هر چه بیشتر امپریالیزم جهانی سرکردگی امپریالیزم آمریکا گشته است امروزه برای توده های میلیونی مردم، شعارهای تو خالی و بی محتوای "مرگ بر آمریکا و اسرائیل رژیم، به راستی به یک کمندی واقعی بدل شده است و حمایت از جنبش فلسطین که زمانی با کنایس سفارت فلسطین بمنظور تحت ایقاد در آوردن این جنبش از سوی رژیم اعمال شده بود به دشمنی آشکار با جنبش فلسطین و حمایت از شاخه ای از جنبش امل تحت عنوان انقلابیون مسلمان فلسطینی خود نمائی کرده است.

اکنون تنها یک تحول انقلابی قادر است وضعیت کنونی خاورمیانه را دگرگون سازد و در میان کشورهای منطقه، مناسب ترین ستاسیل برای آغاز این تحول انقلابی در توده های بحان آمده ایران نهفته است زیرا که جنبش فلسطین در پراگندگی سر می برد و وضعیت

توده های زحمتکش در دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه حاکی از یک دوران انقلابی است. کشاکش انقلاب و صداعلات در ایران، تا به رضای عمومی و ختم و نفرت توده های از رژیم حاکم بر ایران آن عامل عینی مناسبات، جنبش بروز اولس جرقه های این تحول عظیم است و رسالت رهبری این جنبش را طبقه کارگر ایران بر عهده دارد.

بسروری قطعی انقلاب ایران قطعاً می تواند اولین گامها را در جهت تعمیر موازیه قوا بمنفع انقلاب و خلفهای منطقه و تضعیف امپریالیزم جهانی سرکردگی امپریالیزم آمریکا بردارد.

در این میان موازیه همه جانبه با احزاب فرمست و رویزونیست که عمال بیروزی در جنبش طبقه کارگر محسوب می شوند و تاکنون ضربات حیران ناپذیری بر جنبشهای انقلابی منطقه بویژه ایران، وارد آورده اند جز لایسنگ و حدائی ناپذیری از این موازیه محسوب می گردد.

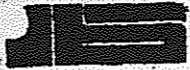
از آنجا که ایران بلحاظ استراتژیک بر امپریالیزم جهانی و بویژه آمریکا از اهمیت بسیاری برخوردار است قطعاً در این موازیه شاهد مقاومت ارتجاع جهانی خواهیم بود. اما سروری قطعی انقلاب ایران بر باسنگاه مطفشی جهت تقویت انقلاب در منطقه و تقویت جنبشهای انقلابی منطقه بحساب می آید.





برنامه عمل
سازمان را
بهر طریق ممکن
بمیان توده ها بپزید!

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائی بخش جهان



پیرامون ضرورت و خصوصیات برنامه

هنگام آن فرارسیده است که در حین کمونیستی ایران به برکناری و عسکی که سالها دامنگیر این حسن بوده است پایان داده شود. این مبارزه عسکی بر تالیفات و آرزوهای وحدت طلبانه بلکه ضرورتی است که از مقتضات عسکی مرحله کمونیستی حسن ناشی شده است. مرحله‌ای که محصول یک دوران از مبارزه آشکار و انقلابی بوده‌ای، رسد و اعتلاء عسکی کارگری، عمیق و رزفا یافتن مبارزه طبقاتی، سرسندی و معکیز روز افزون طبقاتی و سداسی اجزای و سازمان‌های خودهای با هویت طبقاتی است. اکنون دیگر حسن ما به مرحله‌ای رسیده است که دوران انتقال زندگی مافیل جریبی را پشت سر بگذارد و به دوران زندگی حزبی گام بگذارد. اکنون دیگر مساله حسن ما فعالیت‌های برکننده گروهها و سازمانها نیست. بلکه مساله اساسی وحدت و انسکلات، وحدت درونی کمونیست‌های ایران و تشکیل یک حزب کمونیست سراسری، حزب طراز یونی‌لسی است. حکومتی می‌تواند کام عطپی و اساسی را در این جهت برداشد.

تا یک برنامه واحد انقلابی. زیرا برنامه، اولی و اساسی‌ترین گام در جهت وحدت و تحسین به فعالیت مارکسیست‌لسیست‌های ایران و محکم کردن بنود آنهاست.

تنها برنامه می‌تواند مسائلی برای وحدت حمل حزبی دهد. بدون یک برنامه انقلابی نه می‌توان مسائلی برای وحدت نیروها ارائه داد و در جهت تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر ایران گام برداشت و نه در فر مبارزانه‌ی و رهبری مبارزه طبقاتی برولتاریا فعالانه مداخله کرد. چرا که برنامه فقط مسائلی است که یک سازمان برولتری باید راه خود را در مبارزه طبقاتی از طریق آن بکشد. رسانای این مبارزات عسکی حسن بود که سازمان ما نزدیک به یک سال پیش طرح برنامه‌ای را که اکنون در سطح حسن انتشار یافته است. در درون سازمان به بحث گذاشت. این طرح به محصول صورت و حملات دهمی بلکه زائنده و برجاسته از زندگی واقعی است. معکیز کننده مبارزات عسکی جامعه است و در گوران سخت‌ترین مبارزه اندولوریک و ملاحظه تحریبات و دست‌آوردهای حسن کمونیستی ایران و جهان بدست آمده است. با کلیه جریانات بورژوازی و خرده بورژوازی و ایورونوسنی مرز بندی روشن و آشکار دارد و سند هموت خط انقلابی مارکسیستی لنینیستی است. واقعیت این است که امروز پس از پس سه جریان در حین خود راز از یکدیگر معاصر می‌سازند و سمحه می‌کنند.

۱- خط ایورونوسنی - رفرمیست که ملغ سازش طبقاتی و معرفی اریدان در حین است توسط حزب بوده مانند کی می‌تود و امثال "گریبی‌های" حاشی را بر دربر می‌گیرد. هر چند چهره رسوای ضد کارگری و مذهب تنوری و برانک این جریان بکلی فاش و برملا گشته است. اما این خط به مایه خط ایورونوسنی - رفرمیست به حیات خود اراش خواهد داد.

۲- خطی که گروهها و سازمان‌های ناسیونالیست خرده بورژوا نظیر کومله و سپه آرا رهبری می‌کنند و پس از ورشکستگی نظری و عملی آنچه که در حین ما تمام خط ۳ تناخته شده است، با تزیین و آرایش این خط خود را در مارماتی بنام "حزب کمونیست ایران" مشکل کرده‌اند. و صفای گروهها و سازمانهای مصلاسی شده خط ۳ و پروتسکست نظیر سکار، رومندگان، وحدت کمونیستی و امثالهم بر صفای جریان سوسه‌اند.

۳- خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی که سازمان ما مدافع ستر و معاصده اصلی این خط در سطح حسن محسوب می‌گردد. این خط که در میان کارگران و روستکوران انقلابی ایران از نفوذ و اعتبار قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و اکنون رسته‌های عسکی وحدت و انسجام گروه‌های این صف از پس فراهم گشته است و طبقه عظیم تشکیل حزب عسقا "انقلابی کمونیست" حزب طراز یونی طبقه کارگر را بر عهده دارد. حزبی که شرایط عسکی و دهمی جامعه پس از پس تشکیل آنرا به‌داری فوری و مرم تبدیل کرده است. انتشار طرح برنامه از سوی ما نخستین گام عملی در راستای تشکیل آن است. همه این واقعیت‌ها و شرایطی که اکنون حین در آن قرار گرفته است، ضرورت انتشار طرح

برنامه را از سوی ما نشان می‌دهد. اینک که مختصراً "ضرورت برنامه را مورد بررسی قرار دادیم لازم است اندکی در باره مضمون و شکل طرح برنامه نیز صحبت کنیم.

این طرح در کلیت خود دربر گرفته برنامه حداکثر و حداقل برولتاریاست. در این برنامه وظایف و نظرات اساسی ما، وظایف و درخواست‌های فوری ما مرز بندی شده است. برنامه از سه بخش تشکیل شده است: بخش اول آن شامل بخش تنوریک و عمومی برنامه است که تمام مواد بعدی برنامه از آن منبج شده است. در این بخش، وجوه مشخصه اساسی نظام اقتصادی کمونی ایران و جهت تکامل آن مورد بحث قرار گرفته است و شیوه تولید مسلط، منحصر شده است. این بخش با ذکر مشخصات سرمایه‌داری ایران و نه سرمایه‌داری بطور کلی آغاز می‌گردد. نحوه فرمول بندی به‌گونه‌ای است که تکامل تدریجی سرمایه‌داری در ایران و تمام آن سلطه امپریالیزم و وابستگی اقتصادی، تضادهای ناشی از آن و مضایب اجتماعی که این سرمایه‌داری به‌سار آورده است به‌صراحت نشان داده شود. پس رشد بدختری، ستم، سندی و ناهمی و استثمار طبقه کارگر بعنوان نتیجه احتیاب باید بر این نظام و تکامل آن و رشد ناراضی در میان کارگران و در میان نیز ضرورت انقلاب سوسالیسیستی، ستم‌گیری شده است. در بخش دوم، وظیفه سیاسی فوری ما، روابط طبقه کارگر با طبقات دیگر مشخص شده است و دشمن اصلی بلاواسطه که مانع اصلی سرس راه تکامل اجتماعی بطور اعم و تکامل حینش طبقه کارگر بطور اخص محسوب می‌گردد روشن شده است. بخش سوم شامل مطالبات مشخص است و درخواست‌های برنامه حداقل برولتاریا را دربر می‌گیرد. این بخش، خود به‌جند جز' تقسیم می‌شود. یک جز' به درخواست‌هایی برای تغییرات انقلابی عمومی در سراسر کشور یعنی درخواست‌های دموکراتیک اساسی اختصاص یافته است و جز' دوم به درخواست‌های عمومی و رفاهی و اجتماعی اختصاص داده شده است. جز' سوم شامل مطالباتی است در جهت برانداختن سلطه امپریالیزم، وابستگی اقتصادی و دموکراتیزه کردن اقتصاد کشور. جز' چهارم مطالبات کارگری و پنجم درخواست‌هایی به‌نفع دهقانان است که بخش ارضی برنامه را تشکیل می‌دهد.

این بود بطور مختصر روال برنامه. در اینجا لازم به‌تذکر است که در تهیه این برنامه در موارد متعدد و نا آشنا که تناقصی با شرایط مشخص ما نداشته است، برخی از فرمول بندی‌ها از برنامه‌های معتبر بویژه از طرح برنامه از فوریت و برنامه بشوکیها نقل شده است. بخش وظایف فوری سیاسی و نیز بخش مطالبات مشخص نیز اساساً "مسئله بر "برنامه عمل" سازمان است. کمبودهای برنامه عمل در زمینه مطالبات مشخص کارگری نیز با تکیه بر بخش مطالبات مشخص کارگری برنامه بشوکیها و در نظر گرفتن مطالبات ویژه کارگران ما بدان اضافه شده است. در این طرح برنامه با توجه به رسته‌های مارکس، انگلس و لنین، اساسی‌ترین معیارها و ضوابط حاکم بر یک برنامه برولتری و خصوصیات آن حتی در شکل، رعایت گردیده است.

بکات برنامه، مسجل، قطعی و بی‌چون و چرا است. هیچ اسهام و شرط و شروطی وجود ندارد. از این رو هم امر تبلیغ و ترویج را تسهیل می‌کند و هم راه را بر هرگونه ایورونوسنی سد می‌نماید. برنامه‌ای است مشخص که از نیازهای عسکی و زندگی واقعی نشات گرفته و نه مجرد. یعنی از آن چیزی سخن گفته که حقیقتاً وجود دارد و آن چیزی خواسته شده که عطپی و ضروری است.

در این طرح، نزه‌های کوتاه، مشخص و قابل فهم بدون کلمات زائد و حملات تکراری ارائه شده است. از توضیح و تشریح نیز خودداری شده است. جای توضیح و تشریح در برنامه نیست. بلکه در تشریحات تبلیغی و ترویجی و نشریات و بولتن‌های بحث‌های تنوریک است. و بالاخره رسان برنامه قاطع، صریح و روشن است تا هرگونه اسهام را از میان بردارد. همگی این خصوصیات بناگر خصوصیت برولتری برنامه است. سازمان ما بنایه نفس و وظایف خود در حینش و درک ضرورت برنامه، این طرح برنامه را تهیه و پیش از آنکه به تصویب قطعی برساند در سطح حینش منتشر ساخته است، تا همه نیروهای م‌ال امکان یابند انتقادات خود را در مورد آن اعلام کنند. ما مصراً از کلیه مارکسیست لنینیست‌های ایران می‌خواهیم که فعالانه در صاحت مربوط به این طرح شرکت کنند و نقش خود را در تدوین یک برنامه واحد انقلابی ایفا نمایند.

ما چه می‌خواهیم و برای چه مبارزه می‌کنیم
طرح برنامه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که مدافع منافع طبقه کارگر نظیر اخص و از موضع طبقه کارگر مدافع منافع عموم توده‌های رحمتکش ایران است. اهداف و مقاصد خود را آشکارا بصورت یک برنامه اعلام ندارد. این برنامه که در حقیقت یک درخواست کارگران ایسران علیه نظام مبنی برستم و استعمار سرمایه‌داری و سند محکومیت قطعی این نظام محسوب می‌شود، در عین حال اعلان جنگ جهانی بتمام سرمایه‌داران و کنگره مریخسی است که مدافع وضعیت فلاکت‌ناگویی و نظام مستی بر سر دگی کار مزدوری هستند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمطوّر تحقق این اهدافی که جزئی خدا از اهداف و منافع طبقه کارگر نیست، عموم کارگران و زحمتکشان استعمارشده و ستمدیده ایران را به تشکیل و اتحاد حول این برنامه فرا می‌خواند.

۱- توسعه مداخله بین‌المللی و تولید برای بازار جهانی آنچنان ماسات نزدیکی میان تمام ملت‌های جهان بوجود آورده است که حسن رهایی بخش کبیر پرولتاریا به‌ناگزیر می‌بایستی بین‌المللی شود و از مدتها پیش نیز بین‌المللی شده است.

ما به‌مانه ادامه دهندگان راه سبانتگذاران حزب کمونیست ایران در ۱۹۲ خود را گردانی ارانتر، جهانی پرولتاریا و بختی از جنبش کمونیستی جهانی تلقی می‌کنیم و برای همان هدف نهایی مبارزه می‌کنیم که کمونیست‌های سراسر جهان، این هدف جهانی بوسیله حاصلت جامعه سرمایه‌داری و روند توسعه آن تعیین گشته است.

۲- شیوه تولید سرمایه‌داری که وجه مشخصه اصلی آن تولید کالائی مبنی بر روابط تولید سرمایه‌داری است و در آن مهمترین و اساسی‌ترین بخش مسائل تولید و مداخله به‌عنوان قلیلی افراد تعلق دارد در حالی که جمعیت کسری مرکب از پرولتاریا و نیمه پرولتاریا سابه موقعیت اقتصادی خود ناگزیر بطور مداوم با بصورت فصلی نیروی کار خود را بفروشد، با تحولاتی که در آغاز دهه چهل در ایران بوقوع پیوست مسلط شد.

۳- این تحولات که برمسای رشد تدریجی و طولانی مناسبات تولید کالائی و نیز نیاز سرمایه‌های امپریالیستی صورت گرفت، مناسبات تولید کالائی را تا اقصی نقاط کشور گسترش داد. ایران که تا پیش از زیم‌های اوائل دهه چهل به‌مانه تولیدکننده محصول واحد نفت در سبتم جهانی تقسیم کار امپریالیستی جای گرفته بود از این پس به نحوی همه‌جانبه در نظام جهانی اقتصاد امپریالیستی ادغام گردید و بدان واسه شد.

۴- مسلط شدن شیوه تولید سرمایه‌داری که با صدور روزافزون سرمایه‌های امپریالیستی، گسترش صنعت سوب و استفاده از تکنیکهای جدید همراه بوده است. نظیر مداوم منجر به ازسیدان بیرون رانده شدن موسسات کوچک بوسطنه موسسات بزرگ شده است. تولیدکنندگان کوچک که برای مقاومت در برابر موسسات بزرگ را ندارند دائما "خانه جرات می‌شوند، برخی به پرولتاریا تبدیل می‌گردند، نقش دیگران در عرصه اقتصادی و اجتماعی محدودتر می‌گردد و در پاره‌های موارد بنحو سبتم‌باری به سرمایه واسه می‌شوند.

۵- سبتم‌های نسبی که استفاده هرچه بیشتر از کار زنان و کودکان را در پیرویه تولید و مداخله کالا افزایش داده است و نیز قدرت جذب محدود نیروی کار در سرمایه‌داری واسه ایران سب شده است که بتمام بقاصا برای نیروی کار افزایش باند و سرمایه‌داران امکان بیشتری باند با درجه استعمار کارگران را بالا ببرد. ازسرو وجود یک ارتش عظیم سگاران سب شده که کارگران با عرضه ارزان نیروی کار خود در معرفی ستم و استعمار شدیدتری قرار بگیرند و سطح استعمار آنها فوق‌العاده افزایش باند.

۶- بحران‌های اقتصادی که بر اثر تضاد ذاتی سرمایه‌داری بنحو احسان ناپذیری بطور ادواری بروز می‌کند و در ایران بر اثر وابستگی اقتصادی بطور مداوم بکم سبغهای سبدمی خود و طولانی بزمیگردند، این روند را با هم بیشتر سبدم می‌بخشد. بحران‌ها و دوره‌های رکود از کسو خانه‌خزایی تولیدکنندگان خرد را تشدید می‌کنند و از سوی دیگر وابستگی کارگر مزدبگیر به سرمایه افزایش می‌باید و با سرعت سبتمتری بحر به‌خامت نسبی و مطلق وضعیت طبقه کارگر می‌گردد. فقر و سبدمی، عدم اعتماد به آینده، فقدان تاسی اجتماعی بنحو

روزافزونی بیشتر می‌شود و نابرابری و شکاف میان پروتمندان و تهی‌پستان مدام عمیق‌تر و وسعتر می‌گردد.

۷- از اسرو به‌سبست اینکه تضادهای ذاتی سرمایه‌داری رشد می‌کند و توسعه می‌باید، برابری و اعتراض کارگران افزوده می‌شود، قدرت و همبستگی آنها افزایش می‌باید. مبارزه آنها با استعمارگران تشدید می‌شود و تلاتی برای رهایی از بوع تحمل‌ناپذیر سرمایه سبتم می‌شود. در عین حال روند توسعه سرمایه‌داری با تمرکز بختیدن به وسایل تولید و مداخله و اجتماعی کردن پیرویه کار در موسسات سرمایه‌داری، بطور مداوم امکان مادی جایگزینی سوسالیسم بجای سرمایه‌داری یعنی امکان انقلاب اجتماعی را که هدف نهایی تمام فعالیت‌های کمونیست‌هاست هرچه بیشتر فراهم می‌سازد.

۸- انقلاب اجتماعی پرولتاریائی با جایگزین کردن مالکیت اجتماعی به‌خای مالکیت خصوصی بروسائل تولید و مداخله و نیز تولید اجتماعی سازمان یافته و برنامه‌ریزی شده به نابرابری اجتماعی، استعمار انسان از انسان و تقسیم جامعه به طبقات بامان خواهد بختسب و بدین ترتیب تمام بشریت ستمدیده را آزاد خواهد کرد.

۹- رهایی طبقه کارگر تنها بدست خود طبقه کارگر میسر است. چرا که تمام طبقات دیگر جامعه علیه تمام اختلاف منافع که با خود دارند، همگی خواهان حفظ شالوده‌های نظام سرمایه‌داری‌اند.

۱۰- شرط لازم برای انقلاب اجتماعی پرولتاریائی، دیکتاتوری پرولتاریاست که طبقه کارگر را قادر سازد مقاومت استعمارگران را درهم شکند و تمام مواعی را که بر سر راه هدف بزرگش قرار دارد از میان بردارد.

۱۱- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران وظیفه خود می‌داند که تضاد ذاتی ناپذیر میان کارگران و سرمایه‌داران را فاش سازد.

اهمیت تاریخی و شرط لازم برای انقلاب اجتماعی را به پرولتاریا توضیح دهد و چارناپذیری موقعیت توده‌های رحمتکش و استعمارشده دیگر را در جامعه سرمایه‌داری و نیاز به یک انقلاب اجتماعی را برای رهایی آنان از بوع سرمایه برای آنها آشکار سازد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تمام اقتدار توده‌های رحمتکش و استعمار شده را تا آنجا که موضع پرولتاریا را اتخاذ می‌کنند به صفوف خود فرا می‌خواند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خود را موظف می‌داند که در راه تشکیل حزب کمونیست ایران که قادر باشد مبارزه طبقاتی پرولتاریا را در تمام اشکال تجلی آن تا نیل به هدف نهایی رهبری کند تلاش ورزد.

۱۲- سرمایه‌داری جهانی تقریبا از آغاز قرن بیستم به امپریالیسم که بالاترین مرحله در تکامل سرمایه‌داری است تبدیل شده است که در آن انحصارات، نقش تعیین‌کننده‌ای یافته‌اند. در این مرحله از تکامل سرمایه‌داری، جنگ‌های امپریالیستی که بارزترین آنها جنگ‌های جهانی اول و دوم بودند، برای تسلط بر جهان، کسب بازارهای جدید و انقیاد ملل کوچک و خلق‌های عقب‌مانده احتیاج ناپذیر شده است.

امروزه سرکردگی امپریالیسم جهانی را امپریالیسم امریکا به‌مانه سنگر اصلی ارتجاع جهانی و ژاندارم بین‌المللی، برعهده گرفته است که سابقه تسلط‌جانی امپریالیست‌های جنگ طلب را رهسری می‌کند، بلوک‌های متجاوز نظامی را تحکیم می‌بخشد، دست‌به‌ماحرا حوثی نظامی می‌زند و زمینه را برای یک جنگ جهانی جدید فراهم می‌سازد. امپریالیسم امریکا اصلی‌ترین دشمن مشترک کنگه نیروهایی است که در راه استقلال، دموکراسی و سوسالیسم بیکار می‌کنند.

سطح فوق‌العاده بالای سرمایه‌داری جهانی، جایگزینی رقابت آزاد با سرمایه‌داری انحصاری، افزایش هزینه‌های زندگی، رشد سبتم‌بسم و هزینه‌های ناشی از آن موانع بزرگی بر سر راه مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر بیدید آورده است. فقر، خانه‌خزایی و عدم اعتماد به آینده همه این عوامل، مرحله کسونی تکامل سرمایه‌داری را به عصر انقلابات سوسالیستی پرولتاریائی تبدیل نموده است. این عصر مدتها است که آغاز شده و شکوهمندترین نمود آن انقلاب بیروزمند کبیر سوسالیستی اکثر در روسیه، انقلابات شرق اروپا، جنوب شرقی آسیا و تشکیل یک اردوگاه از کشورهای سوسالیستی در مقابل اردوگاه امپریالیسم است.

تنها انقلاب سوسالیستی پرولتاریائی می‌تواند بشریت را از جنگ‌ها و تمام مصائبی که امپریالیسم به‌ما آورده است رهایی بخشد.

۱۳- فرارسیدن عصر انقلابات پرولتاریائی، امر آماده نمودن همه‌جانبه پرولتاریا را برای کسب قدرت سیاسی، برانداختن نظام



سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم، به‌ویژه مردم رور تبدیل نموده است. احکام این وظیفه، مبارزه سرجمانه علیه تمام اشکال ایورتونیسیم را که صورت مختلف مواعی بر سر راه مردم مبارزه طبقاتی، رسالت تاریخی و هدف نهایی آن محسوب می‌گردند و گسست قطعی از هرگونه ایورتونیسیم را می‌طلبد.

از دیدگاه ما، خط ایورتونیسیتی رفرمیستی، که کاملترین تحلیلی آن ایورتونیسیم و نیز مدافعین این خط مبنی در کشورهای تحت سلطه خنجر حرب بوده که با نفی نظری یا عملی انقلاب قهری و دیکتاتوری پرولتاریا مارکسیسم لنینیسم را از جوهر انقلابیست تهی ساخته و سیاست سراسری طبقاتی یا بورژوازی را جایگزین مبارزه طبقاتی انقلابی پرولتری ساخته‌اند. خط سوسیال سونیستی یعنی سوسیالیست در گفتار و سوسیست در کردار که سرگردگی آنرا حرب کمونیست چنین به عهده گرفته است و با دفاع از استراتژی سده‌چنان، این مسلح سیاست سازش طبقاتی در عرصه جهانی شده است و نیز جریانات تروتسکیستی که عمال جریانکار بورژوازی بین‌المللی در جنبش طبقه کارگر محسوب می‌شوند، جمله‌گی خاص به طبقه کارگر و بطور کلی مردم محسوب می‌شوند. علاوه بر رور در حین کمونیستی جهانی، احزاب و سازمان‌های سبز وجود دارند که اگرچه از مارکسیسم لنینیسم منحرف شده‌اند اما این احزاب ضحیر به تسلط خط ایورتونیسیتی رفرمیستی یا سوسیال سونیستی در این احزاب و سازمانها شده است، بلکه به گرایشات روبریونیسیتی شونیستی (نظیر احزاب کمونیست سوئوی، آلمان...) و با جنب (نظیر حرب کمونیست آلبانی) در غلطی‌ها اند. از اینسو امکان تعمیر و اصلاح در آنها وجود دارد و مادامی که به یک جریان ایورتونیسیتی رفرمیستی یا سوسیالیست نگا می‌مانند، در جنبش کمونیستی جای دارند.

بناگاه خط انقلابی مارکسیستی لنینیستی که ما مدافع پیگیر آن هستیم مارکسیسم لنینیسم را بناگاه ایدئولوژی طبقه کارگر می‌شناسد و با بدیوش عصر کنونی بعنوان عصر انقلابات پرولتری و نیز انقلاب قهری، دیکتاتوری پرولتاریا و اردوگاه سوسیالیستی به‌مثابه متحدین جهانی پرولتاریا، با ایورتونیسیم، تروتسکیسم، خرو و سوسیسم و تمامی احزابات مقصوبه‌های کتیره‌های ۲۰ و ۳۰ حزب کمونیست اتحاد جماهیر سوئوی (نظیر گذار مسالمت‌آمیز سوسیالیسم، برادر خد غیر سرمایه‌داری خرو و سوسیسم، رفات اقتصادی، بعنوان مضمون ظمرو بر دو اردوگاه، دولت و حزب عموم خلق و...) و نیز مدافعین استراتژی سده‌چنان "و" احصاء سرمایه‌داری در سوئوی "مرز بندی قاطع دارد. از ایرو خط مارکسیستی لنینیستی، خط ایورتونیسیتی و انقلابی پرولتری ما بر مبنای اتحاد و همکاری نام با خط انقلابی مارکسیستی لنینیستی، دسمی و مبارزه قاطعانه با خطوط ایورتونیسیتی رفرمیستی و سوسیالیست سونیستی و با حفظ موضع مستقل، اتحاد و مبارزه ایدئولوژیک با جریاناتی که به گرایشات احزابی روبریونیسیتی دچار شده‌اند، استوار می‌مانند. کمونیست‌های کشورهای مختلف در راه هدف نهایی مشترک خود که توسط طبقه سبوه تولید سرمایه‌داری در سراسر جهان معین شده است، ناگزیر از اتحاد و وظایف قوری غیرمتشابه‌اند زیرا سرمایه‌داری در تمام کشورهای یک‌درجه توسعه نیافته و در کشورهای کوناگون سرمایه‌داری در محیط سیاسی و اجتماعی کوناگونی توسعه می‌یابد.

در ایران جایی که سرمایه‌داری هم‌اکنون به‌سبوه تولید مسلط تبدیل شده است، به‌سبب تسلط امپریالیزم، وابستگی اقتصادی و بقایای متعدد نظامات باقی‌مانده سرمایه‌داری که موانع عده‌ای بر سر راه سبورت اقتصادی و سبب کامل و عمده‌حانبه مبارزه طبقاتی پرولتاریا محسوب می‌شوند، ستم اقتصادی، سیاسی که بر مملوین‌هاست از نوده‌های مردم اغتالی می‌شوند و دیکتاتوری غربان و عیان‌گسیختگی که به‌مثابه جزای لاینفک روستای سیاسی سرمایه‌داری وابسته، بوده و سبب مردم را در ناآگاهی و انعقاد نگاه‌اشه است. پرولتاریای ایران می‌تواند خدمت قوری خود را در انقلاب سوسیالیستی قرار دهد. بدین جهت سازمان جریکهای فدائی خلق ایران، سرگویی رژیم ارنجایی حاکم، برانداختن سلطه امپریالیزم و بناگاه اجتماعی آن (بورژوازی وابسته)، نص هرگونه وابستگی اقتصادی، سیاسی و نظامی به امپریالیزم و دیکتاتریزه کردن جامعه را منظور سهیل شرایط برای گذار به سوسیالیسم، وظیفه نخست و قوری خود قرار می‌دهد.

انقلاب ایران بخشی از انقلاب جهانی پرولتاریائی سوسیالیستی،

محسوب می‌گردد. جمهوری دموکراتیک خلق که حاصل قیام مسلحانه توده‌ها و تبلور اراده آنها محسوب می‌گردد، یک دموکراسی توده‌ای است که در آن اعمال حاکمیت مستقیم و بلاواسطه توده‌ها جایگزین بوروکراسی، ارتش و پلیس و کلیه نیروهای مسلح حرفه‌ای محرا از مردم خواهد شد.

از اینرو در جمهوری دموکراتیک خلق:

- ۱) ارتش، پلیس و کلیه نیروهای مسلح حرفه‌ای جدا از مردم منحل خواهد شد و تسلیح عمومی خلق و ارتش توده‌ای جایگزین آن خواهد گردید.
- ۲) تمام دستگاه بوروکراتیک سرچیده خواهد شد و اعمال حاکمیت مستقیم توده‌ها از طریق شوراهای که نماینده‌های مقننه و محربه‌هر دو عمل می‌کنند، برقرار خواهد شد.
- ۳) سیستم انتصابی مقامات بر خواهد افتاد و انتخابی بودن کلیه مناصب و مقامات جایگزین آن خواهد گردید. صاحب مناصب، حقوقی برابر با دستمزد متوسط یک کارگر ماهر دریافت خواهند کرد.
- ۴) سیستم قضائی موجود منحل می‌گردد و دادگاههای خلق ایجاد خواهد شد.

در قانون اساسی جمهوری دموکراتیک خلق باید مقرر شد:

- ۱- حق حاکمیت توده‌ها
- قدرت دولتی باید در اختیار نمایندگان انتخابی توده‌ها باشد که در هر زمان توسط انتخابات کنندگان قابل عزل باشد.
- ۲- انتخابی بودن قضا و کلیه صاحب مناصب کشوری و لشگری
- ۳- جایگزین شدن ارتش، پلیس و کلیه نیروهای مسلح حرفه‌ای با تسلیح عمومی خلق و ارتش توده‌ای.
- ۴- کتیره شوراهای نمایندگان کارگران، دهقانان و دیگر اقشار خلق نماینده عالی‌ترین ارگان حکومتی.
- ۵- حق رای همگامی برابر، مستقیم و مخفی برای تمام افراد زن و مرد که به سن ۱۸ سال رسیده باشد.
- ۶- مصوبت فرد و محل زندگی او.
- ۷- آزادی مسافرت و اقامت و شغل.
- ۸- آزادی مکاتبات.
- ۹- لغو هرگونه سانس، سنجش و حاسوسی.
- ۱۰- آزادی فکر و عقیده، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، حق تشکیل اتحادیه، سندیکا، سورا، احزاب و سازمان‌های سیاسی، حق اجتماع، میتینگ، تظاهرات، اعتصاب.
- ۱۱- حدائی کامل دستگاه مذهب از دولت و مدارس از مذهب، مدارس باید مطلقاً غیر مذهبی باشند.
- ۱۲- لغو کلیه محدودیت‌های تبعیضاتی که علیه اقلیت‌های مذهبی اعمال می‌شود.
- ۱۳- برابری حقوق کلیه اشاع کشور، مستقل از عقده، نژاد، جنسیت، قومیت و ملیت.
- ۱۴- لغو هرگونه تبعیض بر پایه جنسیت و برچورداری زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان.
- ۱۵- تضمین حق تعیین سربوست با سرحد حدائی و تشکیل دولت‌های مستقل برای کلیه قلم ساکن ایران.

مناقص طبقه کارگر ایران و رحمکنان ملل تحت ستم ایران در این است که مشترکاً "یک دولت مقتدر تشکیل دهد اما این اتحاد به اجباری بلکه داوطلبانه و آزادانه خواهد بود.

- ۱۶- خودمختاری وسیع منطقه‌ای برای کلیه مللی که آزادانه و داوطلبانه کشور را تشکیل می‌دهند.
- ۱۷- العاء هرگونه امتیاز و اعمال ستم ملی، قومی و فرهنگی و نژادی.

- ۱۸- العاء زبان رسمی اجباری و حق اهالی به آموزش زبان مادری در مدارس، سندهای دولتی و استفاده از آن در مجامع عمومی.
- ۱۹- با همجنس خواهان اقدامات عمومی زیر می‌باشیم:
- ۱- آموزش رایگان و اجباری تا پایان دوره متوسطه
- بهره‌مندی تمام دانش‌آموزان به هر سبب دولت از غذا، یوناسک و سایر تحصیل و ایاب و دهاب.
- دگرگونی بنیادی و انقلابی در نظام آموزشی موجود و اقدام قوری در جهت یک بکار انقلابی منظور ریشه‌کن کردن بسوادی.
- برقراری نزدیکیترین پیوند بین مدرسه و کار اجتماعی تولید.

۱- تلفیق آموزش نظری و عملی .
۲- سہداشت و درمان رانگان
- گسترش درمانگاهها و بیمارستانها .
- گسترش شیرخوارگاهها ، مهدکودکها ، موسسات آموزشی -
سہدائتی و پزشکی .
۳- تأمین مسکن و تعدیل اجارہہا
- منظور کاستن از بار ہرینہہای رخصتکنان ضروری است کہ
معاون یک اقدام فوری ، سائل ، آمارتخانہا و گلنہ ساختمانہسای
سائلہنہوہای بندانقلاب ، ہنلہا و ساختمانہای رائد دولتی ،
معاون مسکن در اختیار رخصتکنان قرار گیرد .
- مادام کہ مشکل مسکن بطور سہادی حل نشدہ است و رخصتکنان
بناحت مسکن نسدہاند ، اجارہہا باید متناسب با سطح دستمزد رخصتکنان
عکس و بہ مرحلہ اجرا درآید .
۴- ایجاد کار برای سہکاران
- تضمین عملی .
- بیمہ نندن در مقابلہ سہکاری و پرداخت حقوق معادل مخرج
تک خانوادہ رخصتکن سہکاران از سوی دولت .
منظور مبارزہ عملی در حینہ برانداختن سلطہ امپریالیزم ، قطع
واستکلی ، دمکراتیزہ کردن اقتصاد کشور ، توسعه اقتصادی و رفاہ عمومی
رخصتکنان ما خواہان اقدامات زیر ہستیم .
۱- ملی کردن گلنہ صنایع و موسسات متعلق بہ بورژوازی بزرگ ،
انحصارات امپریالیستی ، موسسات و سہادہای مذہبی .
۲- ملی کردن بانکہا و تمرکز آنها در یک بانک واحد .
۳- ملی کردن سہکاریہای بیمہ و تمرکز آنها در یک موسسہ واحد .
۴- ملی کردن موسسات ارضاطبی و حمل و نقل بزرگ .
۵- ملی کردن تجارت خارجی و توزیع سہامہبیزی شدہ کالاہا
از طریق تعاونیہا .
۶- ایجاد و گسترش صنایع سہکی .
۷- انفا ، اسرار سازگاری منظور اعمال یک کنترل واقعی بر تولید
و توزیع .
۸- کنترل سوراہای کارگری بر تولید و توزیع در گلنہ صنایع ،
کارخانہہا و موسسات .
۹- ایجاد گلنہ فرا دادہای اسرار امپریالیستی و افتاء مفاد
آنها برای آگاهی عموم خلق .
۱۰- لغو تعام مالیاتہای غیر منصف و برقراری مالیات صاعدی
بر بیروت و درآمد وارث .
در زمینہ سیاست خارجی ، خواہان اجرای موارد زیر ہستیم
۱- ایجاد یا خلق ہا و حسنہای رھائی حتی ملل تحت ستم ،
کشورہای سوسالیستی و حسن انقلابی طبقہ کارگر در کشورہای
سرمایہداری سہادہ خیزہ استخرای یک جریان واحد انقلابی صد
امپریالیستی .
۲- برانداختن رسم دستنامی سری و آگاهی عموم مردم از تمام
مباحثات ، مذاکرات ، عہد عزادادہا و سہاسہا تا دول دیگر .
منظور مصون دانستن طبقہ کارگر از نیاہی جسمی و روحی و
سطون او در مبارزہ برای رھائی ، سازمان جریکهای فدائی خلق
ایران مطالبات زیر را مطرح می نماید .
۱- ۳۰ ساعت کار ، دو روز تعطیل بی دربی در ہفتہ ، یک ماہ
بررسی سالانہ با پرداخت حقوق کامل .
۲- نقلین کار بہراند کارگران معاند و دیگر صنایعی کہ شرایط
دعوار و ناخاطرہ سہ روزہ جسمد ، ۶ ساعت کار در روز و ۳۰ ساعت
کار در ہفتہ .
۳- مصونیت کامل اسامہداری .
۴- مصونیت سہنہ پرداخت دستمزد بصورت جسمی .
۵- مصونیت سہکاری در تمام رستہہای اقتصادی مگر در مواردی
کہ ہدلائیل کمی یا رفاهی مطلقاً ضروریست و مورد تأیید تشکلہای
کارگری قرار گرفتہ باشد .
۶- مصونیت استخدام کودکان بر سہن تحصیل زیر ۱۸ سال ،
۷- مصونیت کار زنان در رستہہائی کہ برای سلامتی آنها
بہر ضرر است .

۸- برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل و برابر با مردان
در ازای کار مساوی .
۹- مرخصی زمان باردار ، د ماہ قبل و دو ماہ بعد از زایمان
بدون کسر حقوق یا برخورداری از امکانات پزشکی ، درمانی و داروئی
رایگان .
۱۰- برخورداری زنان از تسہلاتی چون شیرخوارگاہ - مہد-
کودک ، حق سہداری و رسیدگی بہ کودکان در محل کار .
۱۱- مصونیت کسر دستمزد بہ سہانہ حربہ ، خسارت و غیرہ .
۱۲- افزایش دستمزد کارگران متناسب با سطح ہرینہہا .
۱۳- بیمہ کامل اجتماعی کارگران ، بیمہ سہکاری ، سواج ، بعض
عضو ، حراحت ، کپولت ، امراض ناشی از حرفہ ، ازکارافتادگی .
۱۴- برقراری کنترل کامل و سازمان یافتہ سہدائتی بر گلنہ
سہکاریہا ، ایمنی محیط کار ، خدمات درمانی و سہدائتی باسگان و
پرداخت کامل حقوق دوران سہکاری .
۱۵- ایجاد کار برای کارگران سہکار و پرداخت حقوق معادل
مخارج یک خانوادہ رخصتکن برای کارگران سہکار .
۱۶- تضمین حق تشکیل سندسگاہا و اتحادیہہای کارگری و
حق اعتصاب .
۱۷- تساوی حقوق کارگران کشاورزی و امور خدماتی ساکارگران
حرفہای
منظور پایان بخشیدن بہ گلنہ بقایای سروز ، سسط مسازرہ
طبقاتی در روستاہا و افزایش سطح رفاہ رخصتکنان روستا ، سازمان
جریکهای فدائی خلق ایران خواہان اجرای سہامہ ارضی روستا سہد
۱- ملی نندن گلنہ اراضی ، مراہ ، جنگلہا و ہمہ منابع طبیعی
و زیر زمینی .
۲- سسط فوری گلنہ اراضی ، املاک و اسرار و وسایل تولید
ملاکین و زمینداران بزرگ ، موقوفات و سہادہای متعدد مذہبی و
انتقال فوری آنها بہ دهقانان مشکل شدہ در سوراہا و اتحادیہہای
دہقانی .
۳- سہدائی از حسنہ دہقانان برای مصادرہ ارضی ، مادام
کہ حسنہ انقلاب و دمکراتیک دانسہ باشد
۴- اراضی مکاسزہ و بطور کلی رستہہائی کہ بہ سہوہ عالی گشت
می شود بدون آنکہ تقسیم کردند باید تحت کنترل سوراہای کارگران
کشاورزی قرار گیرد .
۵- متشکل کردن دہقانان حردہ یا در تعاونیہا و توسی
دہقانان بہ گشت جمعی و ایجاد واحدہای بزرگ کشاورزی منظور
صرفحوشی در کار و ہزنہ محصولات .
۶- لغو گلنہ بدهیہای دہقانان بہ دولت ، بانکہا و گلنہ
موسسات مالی ، سرمایہداران ، ملاکین و رباخواران .
۷- پرداخت وام بدون سہرہ بہ دہقانان و تأمین ہرگونہ کمک
تکنولوژیک از قبیل ماشین آلات ، کود ، سدر و غیرہ .
۸- توسعه سہکہہای آبرسانی و سرق سراسری در حینہ رستہ
رخصتکنان روستا .
۹- برخورداری کارگران روستا از شرایط و مزایای کارگران شہری ،
* - علاوہ سازمان جریکهای فدائی خلق ایران وظعہ خود
می داند کہ برای تشکل طبقاتی مستقل سولتاریزای روستا تلاش کند ،
تضاد آستی نایدیری کہ میان او و بورژوازی دہقانی وجود دارد و سہ
نیاز بہ یک انقلاب سوسالیستی را توضیح دہد .
* - سازمان جریکهای فدائی خلق ایران در راہ مبارزہ بخاطر
مطالبات فوق الذکر ، از ہر حسنہ انقلابی کہ مخالف سہنہ اجتماعی
و سیاسی موجود ایران باشد سہدائی می کند . اما در عین حال گلنہ
اقدامات رفرمستی را کہ منصف سہمت یا کسری مداخلات پلیسی
بورژوازیگ در زندگی نودہہای مردم است فاطعہ محکوم کردہ و
مردود می شمارد .
* - سازمان جریکهای فدائی خلق ایران معتقد است کہ تحقق
مطالبات فوق الذکر تنها از طریق سہسوی رژیم ارتجاعی سہسوری
اسلامی و برقراری جمہوری دمکراتیک خلق بہ ہیبری طبقہ کارگر سہسور
خواہد بود .
باسمان

نمایش از ...
 الهی آخر و انسانی کاشانی ندادند که "علاوه بر آنکه انتخابات آزاد بود. سالم هم بود و در جهان بی نظیر بود."
 رژیم سوسیالیست که تا آنجا که در قدرت دارد اختلافات و فضاچهایی نمودار شده در انتخابات را میباید در عین حال باقتضای دروسی، رسنه امور را در گره گاههایی باز کرد و گویه هائی از آنجه که تمام تخلفات انتخاباتی شهرت یافته است را هویدا ساخت. دم جروسی از زیر قبای حصرات سرون سود و بریان قسم حصرت عیان سپید اما با وجود این "تخلفات" آنا آزادی لنگه دار شده بود. بعد نالیده حکومت اسلامی و لنگه دار کردن آزادی! برای سرن رژیم آزادی کلمه است که می توانست عترتیه کند و بعد آراء تک گفت. افراد جامعه آزادند نماینده چه بسیار در انتخابات بر اساس حدود جدا برگزینند. و حد کسی حدود جدا را بسختی می سازد ولی فقیه در "آزادی" دوبار رنگ می بارد بکار نام مردم و دیگر بار نام خدا و هر دو بار توسط سرنیزه و تکلف الهی.
 "تخلفات" آشکار گفت. اما گفتند با وجود رژیم و درسی تخلفات سرخیت انتخابات محفوظ است و همچنان آزادی انتخابات اینجا در دنیا بی نظیر. چرا که اساساً "جمهوری اسلامی" دموکراتیک ترین نظام بر سرپندگنی است. با این وجود، انتخابات ۱۲ شهر و از جمله انتخابات حوزه های سرنیزه اصعبان باطل اعلام شد. و چرا فقط این ۱۲ شهر؟ دلایل سوری نگهبان وجود کند. استفاده از امکانات ولی، یک طرفه بودن بعضی از نظارتها و تکلیف افراد معروض دعوت از افراد غیر معتمد و بدقیقه توسط جریان انتخابات عنوان معتمد. سوء استفاده از قدرت و مقام احراری در حوزه ها، اعمال نفوذ بعضی از سرداران سپه و سپاه، سوء استفاده از آراء بی سوادان و بی سوادان و فضای رعیت و وحشت.
 اما کاشانی در پاسخ جریکهای که پرسیدند "آزادی و راستی جردود بعضی مسائل مباح می بود اما که غلبت ابطال بعضی از حوزه ها راه سادتن داد و طلبس گروه و جمعیت خاصی بسند مجلس بوده است گفت: "آنچه که برای سرنیزه (نگهبان) مطرح نیست مشخصات کاندیدا است. در برعلل و بزه های که با ابطال انتخابات در ۱۲ شهر فوق از جمله اصعبان انجامید، نامید کرد. سرنیزه پس از مباحثه انسانی کاشانی، سرنیزه اصعبان بر آنستفاد از اظهارات کاشانی بدستجوئی پرداخت.
 - برعکس آنچه که گفته شده "آزادی کامل در اصعبان وجود داشته و هیچگونه اجسار و جبر و اراعی وجود نداشته است." سوء استفاده از آراء بی سوادان عمل نامیده و سرنیزه بودن خط سینه دلیل مخدوش بودن سرنیزه است. و آراء با خط سینه تا یک خط سرنیزه از صندوق هائی که در سناطینی که سنوان وجود دارد حتی در شهرهای بزرگ

مثل تهران یافت می شود. "۳- آراء مخدوش در اکثریت صندوق هائی که مخدوش اعلام شده بسیار کمتر از یک سوم بوده است" (یعنی تقلب در انتخابات تا یک سوم آراء قانونی بوده و ۴- سبب مخدوش شدن صندوق نمی شود).
 "هیات نظارت شورای نگهبان بر سر همه صندوقها حضور داشته و می توانسته در همان روز انتخابات از تخلفات جلوگیری کند. بدین ترتیب استانداری اصعبان کلیه دلائل و بزه های را که به ابطال حوزه انتخابیه اصعبان مربوط می شود امری عمومی و سراسری معرفی می کند.
 حقیقت این است که دلائل ابطال و نوع تخلفاتی که ذکر شده در قانون جمهوری اسلامی اصولاً "خلاف به حساب نمی آید. سوء استفاده از مقام، سوء استفاده از آراء بی سوادان، ایجاد فضای رعیت و وحشت و غیره و غیره مگر نه اینکه چرا دانی شیوه متداول و شرعی حاکمیت این جمهوری است؟ مگر نماینده بر اساس ولاست فقیه، مردم همچون گوسفندانی بی جون و چرا باید در تبعیت امر ولی فقیه و عمله و اگر هاش باشند. بی سواد و باسواد، و هر جوی و چراغی محاربه با خدا و رسول خدا بحساب آمده و شست بیدار، مقصد فی الارض و بعد گلوله های سناط داری؟ مگر نه اینکه یکی از ارکان اساسی هستی این جمهوری همین رعیت و وحشتی است که خشناً توسط همین عواملی که امروزه به "ایجاد رعیت و وحشت" متهم اند، اعمال شده و می شود؟ آنچه که دلائل ابطال انتخابات باره های از حوزه ها شمرده شده اساساً دلائل هستی رژیم است. و چرا این، آتش جمان شور است که حتی استانداری اصعبان هم می تواند ادعای همه حاکمیت بودن دلائل ابطال را بنماید. اما آنچه که در حوزه های باطل شده ویژه است، این است حناچه های درگیر در تسهیم ع بست کردن اسلامی آراء صندوقها است. سناط یک حناچه نوان سلطه بلامنازع داشته و تا کاندیدای مورد نظر سرنیزه صندوق سرون نیاورده و تا امکان نفاهم و سازش حناچه در تسهیم صندوقها وجود نداشته و سهر حال گره گاهسی حاصل شده که با ابطال انتخابات باره های از حوزه ها انجامید.
 گزارشات واصله از حوزه های انتخابیه در تمامی نقاط مالمال از همان دلائلی است که با ابطال ۱۲ حوزه انجامید. با این وجود انتخابات سرنیزه ها سالم تشخیص داده شد. عنوان سال چند مورد از گزارشات گزارشگران سازمان از حوزه انتخابیه تهران اینچنین است: "اغلب در حوزه ها جوانانی ۱۴ تا ۱۵ ساله مسئولیت داشتند که کمود آراء دهنده را با بر کردن فرمها حبران کنند. در شمال شهر این امر محفاندر انجام می گرفت. اما در جنوب شهر با توجه سواد نداشتن مردم، این امر علمی بود. در حوزه هائی این سنوانان تا ۴۵ سهر بی رسیدند که به گفته خودشان هر کدام با شهر بین ۶۰ تا ۳۰۰ بار رای داده بودند" و تا یکی از مسئولین انتخاباتی: "ار صبح در حوزه ها برده هم بر نمی رود. اما ما خودمان رای دادیم. هر کدام چند ده بار" "حجه ۱۱

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

روزیونیسم؛ انقلاب ایران

نمی آورند که تکجهدی هم هست!، به مرور این غرولندها و "انقلابات" به سایر جنبه های عملکرد رژیم سرایت کرد و آقایان فهمیدند! که جهت گیری اقتصادی رژیم به سمت سوسیالیزم که به چشم امپریالیسم رفت و سو گرفته است. آنان که در جهره "سراش حنا بنگار رژیم اسلامی" بورژوازی و "رهبری حشمت صدامیرالیستی" سازای جنبه های "دموکراتیک" سوسیالیستی را می دیدند و دکم های ارتجاعی رژیم را عین "رنالیه" (۱) خوانده و در وجود "امام خمینی" سرزبان حیره "گاندی رهبر جنس ضد امپریالیستی هند را مجسم می دیدند و با سی برمی خاها می گفتند مگر نمی بیند که "امام خمینی" هم "سیاسی وسیع بوده ای دارد" که سرط "رهبر" بودن است و هم بتأسیل "صدامیرالیستی" س "انسان رهبر مبارزات ضد امپریالیستی" مهن ما هستند "!!

اما واقعات دیگری سر می کرد. سازمان ما از همان ابتدای تا گرفتن انتصاب اکثری های حاشی بر این نکته تأکید داشت که رژیم حاکم به رژیم صدامیرالیست است و نه خرده بورژوازی، نه دمکراتیک است و نه قادر به نرس گرفتن راه "سرمایه داری". این رژیم، رژیم سرمایه داری است که جز به منافع سرمایه نمی اندیشد و رسالتش نجات سوسیالیزم ایران رده "سرمایه داری ایران از ورطه نابودی است و تلاشش سد کردن راه سوسیالیسم است. لیکن حتی با مدتها پس از دستگیری "سراش" "حرب بوده" تا هم ایورونیست ها کجدار بریز و با حرفهای دوپهلوی و به فعل و به معنی، از موضع گیری صریح و بی پرده نسبت به اوضاع کشور سرای می رودید و اعمال ارتجاعی رژیم را به این "دسته و آن "حجاج" نسبت می دادند تا اینکه بالاخره "آمریکای قدر" سوز شد که حواحدی هم فهمید. اما فی المبادی سنی شد اسپهه تکه ها و پسته ها در مورد رژیم "مرفی و ضد امپریالیست" را ماست مالی کرد و "نمای" ضد خلقی بودن رژیم را داد. این کار می بایست مرحله به مرحله و گام به گام صورت گیرد تا سوالی در ذهن اعضا و هواداران این جریانها ایجاد نشود که: چه اتفاقی افتاد که رژیم در عرض چند روز سر از دستگیری "سراش" "ناکهان از "صمت گیری عسر سرمایه داری" "دراه سرمایه داری غلطید" و "دمکراتیک های خرده بورژوا" "سرکومرکان شکست گیری شدید که تا کمک سرپسرای جاسوسی انگلیس و آمریکا و . . . و استفاده از "امولهای" اعتراف "سراش حزب" "باعتراض به حشمت هاشان" ادا شده اند. لذا طبق معمول سیاست "گام به گام" در پیش گرفته شد، به جهت اینکه امر طبق این تئوریستی سنگینات و هواداران به خوبی احصاء کرد و هواداران مثل "سرای" "دچار "سوک" دستگیری "سراش" حزب بوده "شود و تازه ادعا همه کند که "ما از قبل ستنسی کرده بودیم" که رژیم سمت سرمایه داری و امپریالیسم را خواهد زد. لیکن واقعیت عاقلگیری "سراش حزب" "سراش" داد که این "دانستند" و "رهبران"

عانت اندیش. حزب طراز نوین طبقه کارگر!! تا چه حد تحلیل هایشان درست و سنجیده بوده است.

این سیاست "گام به گام" هنوز به انتهای نرسیده است. هنوز هم سوسیال خائنین وطنی در نوشته هایشان صحبت از خاتمه نیافتن "جهت گیری صدامیرالیستی جمهوری اسلامی ایران" (۲) و موجودیت داشتن "سروهای صدامیرالیست و مردمی در حکومت" (۳) و . . . می کنند. ضمن اینکه اعلام نموده اند "سر پیشرفت انقلاب ایران اکنون دیگر در تمام جهات متوقف شده و سر بازگشت خود را آغاز کرده است" (۴) (با کد از ماست). اما برای اینکه دست خود را بسته باشند چند سطر باین تر بلافاصله با یک "سریل" "حلاقانه" میدان را برای هر نوع ضد و نقیض گوئی و هر نوع "تحلیل و تفسیر" تازه و فرصت طلبانه باز می گذارند و می گویند: "سر برگشت انقلاب نیز مانند سر پیشرفت آن پیچیده و بر ساقص است" (۵). اینکه "سر برگشت" اکنون عسی در اواخر سال ۱۳۶۳ آغاز شده مظلوم نیست، کدام "جرخش" یا تغییر باعث آغاز این سر شده هم مستدل نیست، تنها گفته می شود "عسر ساست و صمت گیری و رهبری کشور گرفتار است" آن نسبت مواضع و مافع اقتضای معنار حاشی عامل اصلی و قطعی این تحول دردناک در مواضع کشور است" (۶). کدام مواضع جمهوری اسلامی و رهبری آن طی پنج سال پس از انقلاب تعسیر کرده است؟ آیا سیاست سرکوب مردم و نیروهای انقلابی "اکنون" آغاز شده؟ آیا صمت گیری به جمع فتودالها و ملاکین و سرمایه داران "اکنون" آغاز شده؟ آیا گسترش روابط با امپریالیست ها "اکنون" آغاز شده؟ آیا سیاست ضد کمونیستی و "هستری ضد شوروی"، "اکنون" آشکار شده؟ و آیا

سرکوب توده های انقلابی مهن ما و چراغ سر نشان دادن به بورژوازی ایران و بورژوازی امپریالیستی "گام به گام" از ابتدای روی کنار آمدن رژیم جمهوری اسلامی و حتی قبل از عصب قدرت سیاسی توسط این رژیم با اعلامیه های حمیتی مبنی بر همکاری نکردن با کمونیست ها و در واپسین روزهای قیام مهن ما آغاز شده بود و سایر مواضع قدرت بین صفا انقلاب و ضد انقلاب حاکم اکنون آشکار شده است، آنجا که شور انقلابی و روحیه دمکراتیک ضد امپریالیستی توده های قیام کننده بالا و قدرت مردم در مقابل قدرت حاکمیت سرگرف و قابل توجه بود رژیم تا بکند بر توهم توده ها و منظور منحرف کردن سسروی انقلاب، خود ابتکار عمل را بدست گرفت با آت را به کجسراه کشانده و مانع از نمر دادن آن شود و بتدریج که طی پنج سال اخیر بر آند کشاکش انقلاب و ضد انقلاب شعاع اردوی ضد انقلاب تفسیر کرده است، بدیهی است که دیگر نماربادی نیست که روابط با امپریالیستها و حکومت های ارتجاعی عیان شود، بدیهی است که جمهوری اسلامی دیگر سازی به "صفا ایورونیست ها" نداشته باشد تا عوی تلویزیونی راه بیاندارد و در سایه آن هزاران انقلابی را شکعه و سیرباران و دهها هزار نفر را در

رمدانهای قرون وسطایی در اسارت نگاه دارد و بگوید سمنید در کشور ما جقدر آزادی وجود دارد که ما به "کمونیست ها" (در واقع نوکران بورژوازی در هیئت کمونیستی) به "بخت آزاد" می پردازیم!! آری دیگر به نمایشی از این فصل نیازی نیست.

با این مقدمه قصد آن داریم تا یکی از اساسی ترین شگردهای ایورونیسم وطنی مان را شکافته و خط مشی انحرافی و روبریونیستی آنها را به تصویر کشیم. ایورونیست ها در مانده از درک الفسای مارکسیسم لنینیسم و درک شرایط حاکم سر کشور ما مالمهاست که جریانات صدامارکسیستی را بنام "تئوری انقلابی" و "خط مشی کمونیستی" تحویل حشمت انقلابی داده اند و در همه جا نانوائی خود از درک پدیده های اجتماعی را به حساب "بیچیدگی" و "سیر متناقص" و ترکیب متناقص نیروهای حاکمیت" و . . . گذاشته و سندی بازی سیاسی و سازش طبقاتی خود را با این نگردها پرده پوشی کرده و می کنند. وقتی باز از تحلیل و درک ساستهای سرکوبگرانه و اختسیر آمیز رژیم، گشتار مردم و باعمال کردن حقوق دموکراتیک آنان را در قبال "دعوت به بخت آزاد تلویزیونی می دیدند، وقتی رابطه با امپریالیست ها را در مقابل "زردبستی" با کشورهای سوسیالیستی و برخی دول انقلابی می دیدند و وقتی سرکوب حشمت انقلابی خلق کرد را با "حشمت" از برخی حشمت های رهائی بخش جهان مقایسه می کردند، براسی ناتوان از درک این پدیده های "متناقص" در رویاهای خود به دنبال خلق ساربویی می رفتند که آنان توان این "ساقصات" را بوحیه کرد و بدیهی است که اندیشه متناقصی آنان این اصطلاح تناقضات را بوجود های متناقص مربوط می گزینست و این وجود متناقص و ده گانه در صحنه اجتماعی خرده بورژوازی بخت برگشته بود که هر گانه و کوزه ای را میشد بر سر سبچاره اش شکست، اگر رژیم تحت فشار حشمت شعارهای توخالی و بظاهر انقلابی سر می داد و سر بوط سبه "گانه" انقلابی خرده بورژوازی بود و اگر اعطال ارتجاعی حاکمیت سرزمی کرد لاجرم "گانه" دیگر خرده بورژوازی و گسرتی بر است آن معصر بود، اکنون هم که ساربویی "سر پیشرفت متناقص" (۷) انقلاب متوقف شده لاجرم تناقضات فکری اکثریتی - توده ای را باید به "سر بیچیده و سناقصی برگشت انقلاب" حشمت تا در تحول قطعی در آینده "کانوری" های حوا" و "فرخ تکه های حواستر" - تراحتی نتواند ادعا کند که همانطور که از فعل ستنسی کرده بودیم آنها یکی عاقتابندیشی و "دانستندی" این آقایان را باور کرده اند الا ن توجه کنند که ایشان گفته اند که "سر برگشت انقلاب بیچیده و متناقص است" و اگر ایشان مردای روزگار گسترش روابط مودت آمیز جمهوری اسلامی با اتحاد شوروی را حشمت گرفته به مردم ایران بخاطر "سارره برای برقراری روابط دوستانه با اتحاد شوروی تبریک و شادباش دنباله در صفحه ۹

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



روزبویوسم : انقلاب ایران

گفتند (از جمله اینکه مثلا " حربان صدور گاز ایران به شوروی از سر گرفته شده) و آنرا به پای "حیث گبری صد امیربالیستی" (۸) حاکمیت گذاشتند مبادا فکر کنند ایشان گفته اند حکومت ایران در همان مسیری پیش می رود که امیربالیسم آمریکای آن می طلبد .

ما در این مقاله مقدما " به سکی از این به اصطلاح ساقصات که بردوش ایروبویوسیت ها سنگینی می کند می برداریم

جمهوری اسلامی و جنبش های رهایی بخش

- تناقض "اکبریت" در سیاست خارجی -

سیاست خارجی ایران هنوز در اساس سانسنی است بر تناقض ، متزلزل و سردرگم ، حمایت از ارتجاعی ترین سیاست های سنی المظنی تا حمایت از این با آن جنبش ملی دامنه این نوسانات را نشان می دهد (بولتن ۱۵ دیماه ۶۳ اکبریت) رژیم ارتجاعی خمینی همانند هر رژیم سرمایه داری در رابطه با جنبش های بوده ای و مردمی در کشورهای دیگر ، تنها و تنها منافع طبقاتی خویش را جستجو می کند . این اصل اساسی سیاست خارجی تمام رژیم های استثمارگر و برتری طلب در عصر کنونی است . سوزرواری حاکم که در داخل مرزهای " حویش " دتمسین شماره ۱ یک و جلا دیرولتاریا و بوده ، رحمتکش است و شدیدترین مطالبه طبقاتی را بروی تحمل می کند ، حطور می تواند حامی انقلاب برولتری و مردمی در کشور دیگری باشد ؟ سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است . سوزرواری در هر حرکت اجتماعی منافع حویش را جستجو میکند . آری ، سیاست خارجی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در مجال جنبش های ملی و مردمی و دول گوناگون تنها برهمن اساس قابل توضیح و تحلیل است . لیکن نکته در اینجاست که در این تحلیل باستی همسار بود طواهر فریبنده تو خالی را از اعمال واقعی نبردان ، پوشش های سروافعی و فریبکارانه را کنار زد و محوی آنها را برملا ساخت و در نهایت باید فساد بود سیاست داری های سوزرواری را از منافع واقعی طبقاتی آنان باز ساخت و علاوه بر آن باستی به اندک لوزی سوزرواری متوسط ایران در شرایط کنونی که منافع حویش را با دگم های ارتجاعی با آن اسلامی همافست ساخته و این اندتولوزی در اساس معافند برتری طلبانه از نوع " نسبی - صهبویوسمی " ابدال می کند نیز بوجه دانست . هم اکنون سوزرواری ایران ۳ اندتولوزی به عنوان اهرمی برای گشت قدرت در منطقه با میل به روی کار آوردن رژیم های ناساننده اسلامی سیرده می کند .

حمایت از نیکار اگروه ، السالوادور ، چاد و تبلیغات بر علیه صهبونیزم (۹) . تناقضات و پیچیدگی های " است که آنرا باستی با وجود " سلعانان مارر (که از همه نهادهای قدرت و از تمام عرصه ها رانده و سرکوب شده اند " (۱۵) و " نیروهای صد امیربالیستی و مردمی که در حکومت موجودیت دارند " و خزعلاتی از این قبیل تحلیل کرد . کدام نیروهای ضد امیربالیستی و در کدام موضع قدرت ؟ در وزارت خارجه ، در ساه و در دادستانی ، در نخست وزیری و سیا در ارتش و وزارت کشور ؟ این " نیروهای ضد امیربالیستی " و " سلعانان مارر " در کجا حضور و قدرت دارند ؟ این است ماهیت و کنه اندیشه انحرافی و عدم درک ماتریالیستی تحولات و پدیده های اجتماعی ، این است مفهوم بساور داشتن به شعارها و عدم درک وقایع به آن حجوی که واقعا " در جریانند .

حمایت از گروه های فوق ارتجاعی افغانستان تحت پوشش دفاع از اسلام یکی از بارزترین جلوه های این سیاست ارتجاعی نسبت به کشورهای همجوار است . آنجا که پای منافع سوزرواری و فتودالیسم افغانستان و منافع امیربالیسم جهانی مطرح است " دفاع از اسلام " نیز مطرح است و رژیم خود را متعهد می داند که از این نیروهای ارتجاعی به هر طریق ممکن (تسلیحاتی ، مالی ، پرسنی و سیاسی) حمایت کند . به سرسپرده ترین گروه های افغانی در کشور ما آزادی عمل کامل اعطا کند تا تحت لوای فعالیت سیاسی " مجاهدین افغانی " بزرگترین باند های قاچاق مواد مخدر را در میهن ما دایر کنند و از این راه بخشی از بودجه " تجاوزات و کشتار مردم بد دفاع افغانستان را تامین کنند

اما نتیجه " دفاع از جنبش های رهایی بخش به نسویه " اسلامی " در مورد عراق هم خود بزرگترین ترازوی قرن اخیر در ایران و عراق است . از بدو روی کار آمدن رژیم ورشکسته جمهوری اسلامی ، سران این رژیم مدام به - ارتجاعی ترین روش ها در بی صدور به اصطلاح

" انقلاب اسلامی " به عراق بوده هستند . حمایت از گروه های امیربالیستی در عراق ، نظیر بارزانی ها و گروه های مشکوک و دست نشانده اسلامی مانند " حزب الدعوة " و تشکیل به اصطلاح " مجلس اعلا ی انقلاب اسلامی عراق " از عناصر محافظه کار ، مرجع و غیره هیچ هدفی جز روی کار آوردن یک رژیم دست نشانده در عراق را دنبال می کند .

لیکن گویا در کشورهای همجوار ایران هیچ جنبش مردمی و انقلابی دیگری وجود ندارد گویا رژیم های نظامی و صددرد آمریکائی پاکستان و ترکیه ، حکومت های انقلابی و مردمی هستند . چرا برای یکبار هم که شده ساله دفاع از حقوق " اسلامی " و " انسانی " در ترکیه و پاکستان مطرح نمی شود ؟ مگر همین روزنامه های وابسته به رژیم هر چند گاه اخباری (البته بدون هیچگونه تفسیر و تحلیلی) از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندانهای نظامی ترکیه و اخبار حرکات اعتراضی مردم پاکستان منتشر می سازند ؟

اما وظیفه " اسلامی " رژیم در اینجا حکم نمی کند که از گروه های حتی اسلامی - ارتجاعی دفاع کند ، حمایت کردن از گروه های انقلابی که های خود دارد . اینجا پای منافع عظیم اقتصادی و سیاسی در میان است . مساله این است که عارت بخشی از سرمایه های ملی ایران در شرایط کنونی باستی با وساطت این " برادران " انجام شود . مساله نغای جمهوری " خودکفائی اسلامی مطرح است که اگر فقط چند صاخی در روابط اقتصادی با ترکیه و پاکستان اختلال ایجاد نمود اوضاع جمهوری به هم می ریزد .

دو سه سال پیش زمانی که ضیاء الحق حیانت کار برای دیدار با سی صدر خائن سه ایران سفر کرده بود ، روزنامه جمهوری اسلامی به سردبیری موسوی نخست وزیر با تیتیر " صبا " الباطل " از وی استقبال کرد . اما امروز گویا (وقتی که سی صدر ساقط شده) " صبا الباطل " دیگر " الباطل " نیست و ضیاء الحق شده است . این عین منفعت طلبی سوزرواری حاکم است . البته این کار دو " حسن " داشت از یکطرف در افکار مردم با افشای یک زمرال امریکایی کسب وجهه کرده و خوراک خوبی برای ایور تونیستها فراهم می ساخت . از طرف دیگر " سی صدر " را که از وی استقبال کرده بود زیر سوال می برد ، علاوه بر این کار هیچ ضرری هم برای " حزب جمهوری " در برداشت و اگر امروز همین آقا بان با همان زمرال امریکایی " ضیاء الباطل " دم از دوستی و برادری می زنند ندماغ طران است که از مواضع گذشته عدول کرده اند بلکه بدان لحاظ است که امروز سیاست اینطور اقتضاء می کند و آن روز هم در شرایط کشاکش حاد جناح های درونی - حاکمیت اینطور .

امروز مساله این است که بیمان نظامی - سیاسی سنتو باستی مجددا " تحت لوای اسلام با همان اهداف فلی و ارحله دور کردن " خطر کمونیزم " احیا شود . رفسنجانی جایسنگار جمل ایور تونیست ها در دیدار با وزیر امور خارجه ترکیه آشکارا همین هدف را بیان می کند ، ولی میگوید " هم اکنون دو مشکل مهم منطقه افغانستان و حزب همت عراق است - اگر این مشکل حل شود کشورهای عربی و ماوشما و پاکستان می توانیم همکاری های سازنده تری را برای منطقه دانسته باشیم . همچنین حسن دیگر آن این است که اگر یک حکومت اسلامی در عراق بوجود بیاید خطر کمونیزم از منطقه دور خواهد شد (کیهان سنه ۲۰ اسفند) آیا این " همکاری " چیزی غیر از احیای بیمان صد انقلابی - امیربالیستی سنتو (وابسته به بیمان ناتو) در جهت سرکوسی جنبش های انقلابی منطقه است .

روی دیگر نمایشات عوام فریبانه رژیم ، دفاع قلابی از جنبش های انقلابی نظیر السالوادور و نیکار اگروه است . مختصری توجه به عقاوت های کیفی این پشتیبانی های فریبکارانه و صرفا " لفظی " با اعمال جمهوری اسلامی ایران در مورد گروه های ارتجاعی افغانستان و عراق و لبنان ، دست رژیم را روی می کند . رفسنجانی حنایتکار در دیدار با وزیر امور خارجه ترکیه صحبت از " دور کردن خطر دنباله در صفحه ۱۵

پیشن بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

رویزونیسم: "انقلاب ایران"...

کمونیسم" می کند. اما در جای دیگر مژورانه از دوستی با انقلابیون السالوادور و نیکاراگوئه (که عمدتاً "کمونیست های انقلابی هستند) دم می زند. نگار بر این شوه های ردیلانه صراحتاً به منظور فریب افکار عمومی و کسب وجهه مردمی با توسل به اعتبار عظیم این جنبش های انقلابی در سطح ملی و بین المللی صورت می گیرد که خوشختانه آنقدر این سیرنگ ها شناخته شده و معتضع است که هیچگاه نمی تواند مردم ما و افکار عمومی مردم مرفعی جهان را فریبند و به همین دلیل است که رژیم روز مرفوز در نزد مردم آگاه ایران و جهان مستنزاز پیش مژوی و رسوا می شود. رژیم حسابکاری که حتی از بردن سهام گروه های سازز و انقلابیون کمونیست در صلیب-سین و تایلند و عراق و پاکستان و ترکیه و ... وحشت دارد و حتی متن گزارش های خبری رادیو و تلویزیون و مطبوعات را سانسور و تحریف می کند که گویی هیچ گروه سازز و کمونیستی در این کشورها وجود ندارد الا گروه های باصطلاح اسلامی، با چه وفاحتی صحبت از دوستی با انقلابیون کمونیست السالوادور و نیکاراگوئه می نماید. رژیمی که ابریزگترین دشمنان انقلابیون کمونیست، این بیگیرنرس مدافعان کارگران و دهقانان و زحمتکشان و رزمندگان اسنوارآرادی و سوسیالیزم در داخل کشور و ملل همجوار است، می تواند دوست واقعی جنبش انقلابی مردم السالوادور و نیکاراگوئه در هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای ایران باشد.

- این سیاست فریبی سن سست و سروهای آگاه این حیل را بر ملا ساخته و نازه در تمامی اسکالی که بروز کند آنرا افساء خواهند صاحب آری اگر رژیم اسلامی از انقلابیون کشوری دفاع کند (آسهم در حرف!) که بود و نبودش مرفعی به حال رژیم رو به سرک خمینی نداشته باشد، کوچکترین ضرری منوجه منافع خود نمیخواهد کرد. انسا نمونه های بود از عملکرد سیاست خارجی رژیم جمهوری اسلامی. اگر باهمین دید تحلیل فضای براساس منافع اقتصادی-سیاسی روزروازی ایران و تمیز واقعیات از شعارهای نسو خالی - به سایر حسیه های سیاست خارجی رژیم و روابط آن با ملل دیگر بنگریم و فریبها و های پوهوی سلطیاتی و سرگرمی های دغل کار اندرا خوریم دیگر "تناقصی" درین نخواهد بود. در عمق سلطیات بر علیه صهیونیسم همان منابع و اهدافی حواسده است که در حمایت از برنجین افغانستان تجلی می یابد. صنعت طلشی روزروازی متوسط ایران (در وجه غالب تجاری) به اضافه پان-اسلامیسم ارتجاعی بعنوان ایدئولوژی، چیزی جز آنچه که مشهود است نیز می توانست به بار آورد اما رویزونیست ها همواره حسمان خود را برواقتیات می بندند و از این رهگذر تلاش دارند - سازش خود را با روزروازی بوجود کنند.
- ۱- متاخره تلویزیونی خائنین بوده ای- اگرستی
- ۲- ۳- ۴- ۵- ۶- ۷- ۸- ۹- ۱۰- بولتن اکثریت - آبان ۶۲
- ۱- بولتن اکثریت - آبان ۶۲
- ۲- انقلاب ایران در راه بازگشت - اکثریت
- ۳- انقلاب ایران در راه بازگشت - اکثریت
- ۴- بولتن آبان ۶۲ اکثریت
- ۵- انقلاب ایران در راه بازگشت - اکثریت
- ۶- بولتن آبان ۶۲ اکثریت

تلاشی "شورای ملی مقاومت"...

سازش با جناح دیگر روزروازی یعنی لیسرال ها را در پیش گرفتند، با این تفاوت که هنوز در آن زمان تعداد زیادی از توده های مردم نمی-توانستند ماهیت اعمال و سیاست های سازشکارانه رهبران سازمان مجاهدین خلق را درک کنند. اما امروز پس از گذشت نزدیک به سه سال از سازش رهبران مجاهدین خلق با روزروازی لیسرال، بسیاری از حقایق آشکار شده و ماهیت اعمال و رفتار و سیاست های سازشکارانه آنها بر ملا گشته است.

انقلاب سرعت توده ها را آموزش میدهد. بوهفات را زایل می سازد. ماهیت ارتجاعی خط منشی های رفرمیستی و سازشکارانه را بر ملا می کند و صحت و حقانیت خط و منشی انقلابی رولناریائی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را که بر حرم مخالفت با شورای ملی مقاومت را برافراشت، سنگینانه ماهیت این ارگان و برنامه روزروا رفرمیستی آنرا افشاء نمود و سیاست درهم شکستن آنرا که سدی بر سر راه انقلاب ایران محسوب می شود در پیش گرفت. نشان داد.

امروز دیگر تردیدی باقی نمانده است که "شورای ملی مقاومت" با کلیت برنامه مواکنک آن با شکست روبرو شده است. خروج بنی صدر از "شورای ملی مقاومت" که خیر آن انتشار یافت، خود بارزترین تجلی شکست و فروپاشی "شورای ملی مقاومت" و اضمحلال قطعی آن محسوب می گردد.

از مدت ها پیش روشن بود که پس از شکستهای مداوم این ارگان و بر ملا شدن ناتوانی آن در تصرف قدرت سیاسی، "شورای ملی مقاومت" با فروپاشی قریب الوقوع روبرو خواهد شد. خروج بنی صدر از "شورا"، در حقیقت، اعلان شکست برنامه و سیاست های این ارگان و فروپاشی قطعی آن است. تردیدی نیست که رهبران سازشکار مجاهدین خلق که طی مدت نزدیک به سه سال، گام به گام در منجسلات لیسرالیم سقوط کرده اند و لطعات حیران-باندیری به انقلاب ایران وارد آورده اند، باز هم تلاش خواهند کرد تا شاید این موجود محتضر را که حاصل سازش و بند و بست آنها با روزروازی است حفظ کنند و حتی از طریق باصطلاح چپ هائی که ممکن است برخورد تمام مارکسیست نیز گذاشته باشند، اما حزبلیسرالهای وامانده و بی مقدار چیز دیگری نیستند. برای خود وجهه ای کسب کنند و شکست سیاست های سازشکارانه خود را برده بوشی نمایند. اما انقلاب، ماهیت تمام اعمال و رفتار آنها را حاش و بر ملا نموده است. تاریخ دست رد بر سینه آنها زده است و دیگر توده های مردم هرگز به آنها اجازه نخواهند داد که با انقلاب و خلق، علیه انقلاب و خلق گام بردارند. رشد تضادهای درونی "شورای ملی مقاومت"، کاره گیری بنی صدر از "شورا" و طلعه های فروپاشی قطعی آن، یکبار دیگر این حقیقت مسلم را به اثبات رساند که در شرایط کنونی، هرگونه راه چلبهای سناسنی، سازش-کارانه و رفرمیستی با شکست قطعی روبروست. با ضدانقلاب متمرکز، با قطعیت انقلاب، با

خطاب به هواداران

رفقا! همچنان که خود به عینه شاهد جو خفقان و سرکوب حاکم بر جامعه هستید، بدیهی است که ارتباط مستقیم تشکلاتی با همه هواداران و گسترش بی رویه تشکلات صر به هدیری آرایسبار افزایش می دهد. به همین جهت نباید بیخبرد وظایف انقلابی خود را در این مقطع حتمتاً موکول به ایجاد رابطه مستقیم با تشکلات نماند. یکی از وظایف مرم شما در شرایط کنونی تبلیغ برنامه عمل و طرح آلترناتیو انقلابی می باشد. اکنون که توده ها سرعت از رژیم جناحینکار حاکم بریده و به مبارزه انقلابی روگمی آورند ضرورت سازماندهی توده ها حول برنامه عمل انقلابی سازمان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. شما در هر کجا که هستید می توانید حول خواست مطرح شده در برنامه عمل و ترویج آن کشته می محفی اعتصاب و مقاومت را سازمان دهید و توده ها را به منافع طبقاتیشان آگاه سازید. یکی از وظایف شما در شرایط کنونی گوش کردن به برنامه های رادیو فدائی و ضبط اعلامیه ها و سپس پیاپی کردن و تکثیر آنها است که می توانید با پلی کپی دستی (که قلا" در سلسله مقالات خطاب به مبلغین نحوه استفاده از آن آموزش داده شده است) و با دست نویسی این اسر را به انجام رسانند. همچنین متن های کوتاه که حاوی خواست های کارگران و زحمتکشان مندرج در برنامه عمل بوده و برای تهیه تراکت بسیار مناسب است از رادیو ضبط کرده و سپس تکثیر و پخش نمایند. همچنین می توانید از طریق نوشتن شعارهای سازمان بر روی برجسب های کوچک و سبب چسباندن آنها در اماکن مناسب و با وسایل نقلیه عمومی و همچنین نوشتن ساعات پخش رادیو بر روی برجسب ها و نصب آن در نقاط در معرض دید توده ها (بازعایت مسائل امنیتی) و طائف تبلیغی خود را در این مقطع به انجام رسانند.

موفق و پیروز باشید



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پیام رادیویی سازمان

سنگار در فقر و محرومیت کامل سر می برند. ارزی و مایحتاج روزمره توده های مردم نایاب نده است. قیمت کالاها همچنان روز به روز در حال افزایش است. کارگران ایرانی که سبک کاری روزاتر و مردمان ناچیز در بدترین شرایط ممکن سر می برند بیش از همه طبقات و اقشار جامعه، سنگینی بار هزینه های طاقت فرسای زندگی را بر دوش خود احساس می کنند. اما رژیم جمهوری اسلامی نه تنها حتی یک گام ناچیز در جهت تخفیف فقر و فلاکت عمومی برداشته، بلکه بالعکس، با ادامه یک جنگ ارتجاعی، به اوضاع فلاکت آلود اقتصادی دامن زده و مصائب و فتنه های جنگ را نیز بر آن افزوده است. توده های مردم بر آن خواستار کار، نان، صلح، دموکراسی و رفاه اجتماعی اند. اما رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، شعار جنگ جنگ تا بیروزی را بیسته خود ساخته است. چند صد هزار تن از جوانان رزمندگان ایران در میدان های جنگ کشته و زخمی شده اند. میلیون ها تن خانه و گاشانه خود را از دست داده، آواره و در بدر شهرهای دیگر شده اند. مملکت شورانه ای تبدیل شده است. اما رژیم چنان دیوانه وار به جنگ ادامه می دهد. چرا؟ جنگ برای چیست؟ پاسخ روشن است، بی اینکه حب سرمایه داران هر چه بیشتر بیاید، برای اینکه صنایع تملیحاتی امپریالیستهای زنگر رونق خود را حفظ کند. برای اینکه به آنه جنگ، هرگونه صدای اعتراض مردم را سرکوب کند. به سبک توده ها سزدارند و سناق را برقرار کنند. برای اینکه توجه مردم از اوضاع فلاکت آلود موجود منحرف سازند، ای اینکه جاه طلبی های فرص طلبانه خود را عا کند. توده های مردم ایران که هیچ مناصبی از این جنگ ندارند خواهان پایان یافتن این جنگ ارتجاعی اند. آنها خواهان صلح، رفاه، آراستن و آزادی هستند.

اما رژیم این درخواست های مردم را سنا کسار و اقدامات دسته جمعی و شکنجه و سبک کردن دهها هزار تن از مدافعین آرمان طبقه رگر و انقلابیون دیگر پاسخ داده است.

با این وجود موج اعتراض توده های مردم به اوضاع طبقاتی گریزناک، مدام افزایش یافته است و علیرغم تمام ددمنشی های رژیم، روحیه مقاومت، استنادگی، اعتراض و مبارزه توده ها آخمان نالاست که حتی بحسن و اعجاب مردم سراسر جهان، را برانگیخته است.

بر بیدی نیست که رژیم با استیمنه مصائبی که دچار آورده و اعمال جنایتکارانه ای که مرتکب شده است لحنه غرضی بقوط خود را نزدیک خوده است. هر چند هنوز لحظه تمام سراسر توده های مردم بر آن نرسیده است اما شرایط نه سرعت برای سرنگونی فوری رژیم فراهمه ننود و نفعه کارگر این طبقه پیشرو جامعه که اساسا حاکم بر اوضاع است نظام سمگرانه سرمایه داری را مستقر جامعه نوسالیستی سزازه می کند، سنا طبقه ای است که قادر است در مرحله کنونی انقلاب، توده و سنج مردم را رهبری کند و انقلاب را به سرانجام پیروز منتهای رساند.

طبقه کارگر ایران از هم اکنون باید با عاندگی ناب و نظام استکبار عمل را در دست سرت و احازره بدهد که هیچ نیروی غیر کارگری

بر موج جنبش انقلابی توده ها سوار شود و بار دیگر انقلاب را به کجراه بکشاند. چرا که از هم اکنون سرمایه دارانی که خطر را احساس کرده اند، به تنگنا و افتاده تا مصادا با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی کارگران و زحمتکشان ایران قدرت سیاسی را بدست گیرند. امروز سه نیرو برای در دست گرفتن قدرت علیه رژیم جمهوری اسلامی صف آرائی کرده اند. گروهی نام سلطنت طلب که ماهیت ضد کارگری و ضد خلقی آنان بر هیچکس پوشیده نیست و نوکران حلقه گمشده امپریالیزم محسوب می گردند، خواهان احیای نظام ننگین سلطنتی و تداوم ستم بر توده ها هستند. گروهی دیگر که در "شورای ملی مقاومت" گرد آمده اند، نه تنها بنابه ماهیت طبقاتی شان خواستار حفظ و بقای نظام سرمایه داری هستند، بلکه از پذیرش یک دموکراسی واقعی نیز سز باز می روند. آزاد خواهی آنان دروغین است و در نهایت خواستار اصلاحاتی ناچیز در نظام اجتماعی موجودند. یگانه آلترناتیو پیگیر انقلابی، آلترناتیو کارگری است که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مدافع بیگسرتان محسوب می گردد و در مرحله کنونی انقلاب خواهان برافتادن رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک نظام حقیقتا "دموکراتیک یعنی جمهوری دموکراتیک خلق است.

در این جمهوری توده های مردم مسلح تحت رهبری طبقه کارگر از طریق شوراهای خود اعمال حاکمیت می کنند. در جمهوری دموکراتیک خلق، آزادی اجتماع، آزادی مطبوعات، آزادی فعالیت احزاب و سازمان های سیاسی و صنفی، حق شکل و اعتراض و دیگر حقوق دموکراتیک توده های مردم تامین خواهد شد. در این جمهوری، اقدامات عملی کاسفی در جهت برانداختن سلطه امپریالیزم به مرحله اجرادر خواهد آمد. سرمایه های بزرگ متعلق به سرمایه داران داخلی و انحصارات امپریالیستی، بلادریک صادره و ملی خواهد شد. بازرگانی خارجی ملی اعلام می شود. کلیه قراردادهای اسارتبار امپریالیستی ملغی می گردد و کنترل شوراهای کارگری در کلیه موسسات تولیدی به مرحله اجرادر خواهد آمد. در جمهوری دموکراتیک خلق درخواستهای فوری مختص کارگران از جمله خواست ۴۰ ساعت کار، دو روز تعطیل در هفته، یکماه مرخصی سالانه با کلیه حقوق و مزایا بصورت عطلی می گردد. در جمهوری دموکراتیک خلق، احلاک و وسائل تولید زمین داران بزرگ صادره خواهد شد و در اختیار دهقانان متشکل شده در شوراهای اتحادیه های دهقانی قرار خواهد گرفت. دهی های دهقانان به سرمایه داران و زمین داران و بانکها ملغی می گردد. تنها آلترناتیو کارگری است که از منافع و درخواستهای انقلابی عموم توده های مردم دفاع می کند. کارگران ایران، تبدیل انقلابی خود را در برابر تمام جریانات بورژوازی قرار داده اند. برجسم مستقل خود را برافراشته اند و بدون تردید در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بیگامی می کنند.

رفقای کارگر

اول ماه مه لحظه مناسبی برای حرکت مستقل کارگران ایران و قدرت نمائی اردوی عظیم کار در سراسر رژیم ارتجاعی پاسدار نظام سرمایه

داری حاکم بر ایران است. همانند تمام کارگران سراسر جهان، این روز را با تظاهرات و نمایش های خیابانی جشن بگیرید. محلات کارگری را به مراکز جشن و سرور و تظاهرات تبدیل کنید تا اول ماه مه امسال، نطقه حرکت نوینی در جنبش کارگری ایران در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باشد. کارگران ایران باید به تمام طبقه پیشرو جامعه صغوف خود را مستحکم تر کنید و با تشکیل در کمیته های مخفی اعتراض، برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه آماده شوند.

کارگران آگاه! رفقای هوادار!

مبارزه تعیین کننده فریب الوقوع، ایجاب می کند که برتلاشهای خود سرای سازماندهی، آگاهی و رهبری مبارزات کارگران بگیرانید.

فعالان در سازماندهی و رهبری مبارزات کارگران در اول ماه مه شرکت کنید. لازمه پیروزی قطعی انقلاب و تحقق شعار رهائی، دموکراسی و نوسالیسم، سازماندهی و آگاهی کارگران ایران است. هسته های کارگری را در کلیه مراکز صنعتی گسترش دهید. در سازماندهی کمیته های مخفی اعتصاب تلاش ورزید. کارگران ایران را سنا به یک طبقه، حول برنامه و اهداف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران متشکل کنید.

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران زنده باد نوسالیسم مرگ بر سرمایه داران سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق ناسود باد امپریالیسم جهانی سرکودگی امپریالیزم آمریکا و پایگاه داخلی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اردیبهشت ماه ۱۳۶۳

توضیح و بوزش

- ۱- صفحه ۲۰ ستون ۳ شکست انتخابات فرمایشی سطر ۱۵ ادامه اش چنین است بار دیگر در نمایش رژیم شرکت کنند و رژیم علیرغم تلاش خود
- ۲- در مقاله مربوط به بررسی اشکال مبارزات . . . در صفحه ۴ ستون ۲ سطر ۸ کار ۱۷۹ نوشته شده که دوره افشاکری سیاسی سبزی شده است باید توضیح دهیم که این بدان مفهوم نیست که نباید کار افشاکرانه انجام داد بلکه منظور اینست که محور فعالیتها را افشاکری تشکیل نمی دهد بلکه سازماندهی در راس وظایف و محور فعالیتها را قرار دارد.
- ۳- در کار ۱۷۸ در مقاله قانون کار ص ۲ در رابطه با کار زنان سبزه تا دو سال، ساعات کار ۳۰ ساعت نوشته شده که اشتباه است و همان ۴۰ ساعت می باشد.

پیام رادیویی سازمان

بمناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران

اول ماه مه ۱۱ اردیبهشت روز همبستگی جهانی کارگران فرا میرسد، روزی که کارگران سراسر جهان بیداری و آگاهی و وحدت مبارزاتی تان را علیه نظام سرمایه داری و دفاع از سوسیالیسم حتمی می گیرند. در این روز کارگران سراسر جهان چون تنی واحد، عزم و اراده استوار خود را به ندایم سرد برای رهائی کار از یوغ سرمایه اعلام می دارند. نبردی که در یک سوی آن سرمایه داران قرار دارند که مالک کارخانه ها و ابزار و وسائل تولیدند و با استثمار کارگران، تروتهای افسانه ای می اندوزند و در رفاه و نواز و نعمت سیر می برند و در سوی دیگر این نبرد، کارگران قرار دارند که تولید کنندگان تروتهای اجتماعی اند، اما نمرات دسترنج آنها را سرمایه داران تصاحب می کنند، استثمار می شوند و در فقر و محرومیت بسر می برند. کارگران، خواهان برافتادن نظام سرمایه داری یعنی نظام مستبدی برستم، استثمار، فقر و محرومیت و تحمیل و بندگی و ایجاد جامعه سوسیالیستی یعنی جامعه بدون طبقات که در آن هرگونه ظلم و ستم، استثمار، فقر و محرومیت برافتاده باشد. انسان ها در رفاه و خوشحالی بسر برند و آزادی واقعی انسان تامین گردد. کارگران ایران نیز که همچون یک گردان از ارتش جهانی کارگران در راه تحقق این هدف بزرگ گام برمیدارند، در روز اول ماه مه بمناسبت سزای و همبستگی مبارزاتی خود با تمامی کارگران سراسر جهان، این روز تاریخی را جشن

می گیرند و به سرمایه داران جهانی علی العموم طبقه سرمایه دار ایران بطور خاص نشان میدهند که در راه برانداختن نظام سرمایه داری و ایجاد جامعه سوسیالیستی، مصمم و استوارند. همین عزم و اراده استوار کارگران ایران بود که در اول ماه مه سال گذشته، رژیم ارتجاعی حاکم سر ایران را واداشت تا سراسیمه و هراسناک، یک روز پیش از اول ماه مه، این روز را تعطیل اعلام کند و نمایش فرمایشی خود را با تعداد محدودی از مردوران پاسدار و انجمن اسلامی برآورد.

اما کارگران ایران اکنون آنگذر آگاهی یافته اند که در نمایشهای فرمایشی رژیم پاسدار سرمایه داری شرکت نکنند، با خودداری از شرکت در این راهبیمانی، پشت محکم دیگری بردهان ارتجاع حاکم کوبیدند و نعرشان را از این رژیم ابراز داشتند.

امسال نیز کارگران ایران در حالی به استقبال روز اول ماه مه می شتابند که هنوز رژیم بغایت ارتجاعی جمهوری اسلامی برای ایران حاکم است. رژیمی که طبعی مدت ۵ سال محسودیت ننگینش آنگنان فحاح و مصائب اجتماعی سار آورده است که تصورش هم حتی برای بسیاری از توده های مردم سراسر جهان دشوار است. ناسامانی اوضاع اقتصادی، بیکاری و فقر و فلاکت عمومی برحدی رسیده است که در کمتر کشوری می توان نظیر آنرا پیدا کرد. میلیون ها کارگر

اطلاعیه کمیته خارج از کشور

هموطنان مبارز! رفقای هوادار نزدیک همه سال است که رژیم جمهوری اسلامی ایران بطور سعادتمند و همه جانبه تلاش می کند سازمان های انقلابی را در دستور کار قرار داده است. طی این مدت دهها هزار تن از بهترین فرزندان خلق توسط حکومت جهل و حسادت جمهوری اسلامی به شهادت رسیده اند و دهها هزار تن دیگر نیز در شرایط بسیار بدی در اسارت رژیم جمهوری اسلامی سر می برند. سازمانهای انقلابی نیز طی این دوره با ادامه بیکار و قهرمانانه علیه رژیم، علاوه بر تحمل ضربات سنگین تشکیلاتی حسن عمدتهای از امکانات مالی و مدارکاتی خود را از دست داده اند.

همانگونه که آگاهید سازمان حرکت های فدائی خلق ایران نیز با پشت سر گذاردن یک دوره سخت و با تحمل ضربات سنگین، هم اکنون در ادامه فعالیت های گسترده و بازسازی و سازماندهی تشکیلات در سراسر ایران، وظائف سنگینی به عهده دارد. در چهارچوب چنین سیاستی و بمنظور ترمیم بخشهای آسیب دیده تشکیلات بویژه تامین نیازهای تکمیلی، سفد کمک های مالی شما نیاز داریم. به هر ترتیب ممکن با جمع آوری و رساندن کمکهای مالی خود، سازمان را در جهت اهداف انقلاب باری رساند. محض اطلاع، وجوه جمع آوری شده را می توانید به آدرس بانکی زیر واریز نمائید و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به آدرس زیر ارسال نمائید.

نام صاحب حساب: A.A.H.
شماره حساب: 739066F
نام بانک: CREDIT LYONNAIS
آدرس بانک: 134, Boulevard VOLTAIRE 75011 PARIS
آدرس: A.C.P. B.P. 54 75261 PARIS CEDEX 06 FRANCE

صنفا "رفقای هواداری که با سازمان ارتباط دارند نیز کماکان کمکهای مالی خود را از کانال تشکیلاتی ارسال نمایند. سازمان جریکهای فدائی خلق ایران کمیته خارج از کشور"

خطاب به هواداران

در صفحه ۱۰

یادداشت های سیاسی

"رژیم از پای می افتد"
ما نمی توانیم شمیر روی مسردم کشیم و با ایجاد رعب و وحشت نمی توانیم کار کنیم و اگر ما مردم را به حال خودشان بگذاریم در حق ما آن کار را خواهند کرد که در حق آنها کردیم. " ما به مردم نمی توانیم روز بگوئیم. ما به مردم نمی توانیم بگوئیم که صدایت را در سواور اگر صدایت را در آوردی شلاق میزنیم زدنای می کشیم. استکار در شان حکومت های حصار است. " (کپهان ۵ اردیبهشت ۱۳۶۳)
این سخنان موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور رژیم در جمع روحانیون و ائمه جمعه و حکام شرع آذربایجان است و تنها یک هفته پس از برگزاری انتخابات کذافی "مجلس شورای اسلامی" گفته شده است انتخاباتی که در آن ختم و موقنتا می توان برسر نیزه تکه کرد اما نمی توان نبرد بوده ها نسبت به رژیم تجلی آشکار یافت و این امر با عدم شرکت مردم همراه بود و با بارها باهانات رسانده است.

آندسته که شرکت کردند بجای نوشتن اسامی تعیین شده از سوی رژیم فحش نثار سردمداران رژیم کردند. این تنها موسوی اردبیلی نیست که در یافته است تنها با اعمال زور و در سایه سرسزه نمی توان حکومت کرد. این را همس خنایتکاران حاکم خوب می دانند. اما در همین حال اینها نیز می دانند که اگر کوچکترین عقب نشینی نمایند مردم حتی یکروز آنان را زنده نخواهند گذاشت. اما این را نمی دانند یا نمی خواهند بدانند که سرکوب و کشتار برای مدت کوتاهی می تواند بر مبارزات توده های مبارز برسد. اما هیچگاه و برای همیشه قادر به سرکوب نیست. تنها موجب می گردد که انقلاب در عمق پیش رود. منلی است معروف که می گویند "موقنتا" می توان برسر نیزه تکه کرد اما نمی توان بر روی آن نشست و این واقعیتی است که تاریخ بارها باهانات رسانده است.

سرنوشت باند رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باند جمهوری دموکراتیک خلق